

# زنجیر مندی مفهومی و بافتی در گفتمان قرآنی

حسین عبدالرئوف  
ترجمه‌ی ابو الفضل حری

## چکیده

«زنجیر مندی» سازوکاری زبان‌شناختی است که به بر ساخت متون، متنیت آن‌ها و شبکه‌ی روابط معنایی میان متون می‌پردازد، و با بررسی عملی واحدهای سازنده‌ی متنی خاص سروکار دارد. این بدان معناست که می‌توان از متن در سطوح مختلف زبانی - واج، واژه، جمله و بند - تحلیل متنی مبسوط ارائه داد. همچنین زنجیر مندی با گستردگی و پردازش متنی نیز سروکار دارد. وقتی زنجیر مندی را به گفتمان قرآنی اعمال می‌کنیم، متن قرآنی شکل مخروط وارونه را به خود می‌گیرد. بنابراین بی‌دلیل نیست که سوره‌های طولانی‌تر در ابتدا و سوره‌های کوتاه‌تر در انتهای قرآن آمده است. وقتی متن قرآن را به شکل مخروط وارونه در نظر می‌آوریم، می‌توان گفت که چرا پیام قرآنی در توحید (سوره‌ی اخلاص) و الهیت (سوره‌ی ناس) آمده، حال آن که متون مربوط به خداوندگاری (سوره‌ی حمد) و قوانین جزایی اسلامی (سوره‌های بقره، نساء و غیره) در نوک گسترده‌تر مخروط جای گرفته است؛ و البته در این میان از بن‌مایه‌های بی‌شماری نیز سخن به میان می‌آید که از حیث مفهومی و بینامتنی به یکدیگر مرتبط‌اند. زنجیر مندی مفهومی و متنی، متن را برای خواننده سهل‌الوصول‌تر می‌کند، شاخصه‌ی زنجیر مندی صرفاً تکرار ظاهری نیست بلکه میزان بالای اطلاعاتی که ارائه می‌دهد شاخصه‌ی اصلی این سازوکار است.

## ۱. شرح زبان‌شناختی متن

متن‌کاو (تحلیل‌گر متن) در پرتو نظریه‌های جدید زبان‌شناختی اروپایی، می‌تواند از یک سو ارتباط مفهومی و متنی و از سوی دیگر، تغییرات سبکی و زبانی گفتمان قرآنی را به تفصیل تشریح کند. این حوزه در بطن نظریه‌ی زبان‌شناسی متن جای می‌گیرد که وقوع آیتم‌ها و مفاهیم واژگانی را در سطوح کلان و خرد تبیین می‌کند.

زبان‌شناسی متن با تحلیل متون در مقام واحدهای توصیف سروکار دارد؛ با متن، حدود و ثغور تجربی سامان‌مندی متن و با هم‌خوانی‌های جمالاتی که یک متن معین را پدید می‌آورند. در زبان‌شناسی

متن می‌توان ژرف‌ساخت معنایی متن را به موضوع، مضمون یا عصاره‌ی متن تعبیر کرد. واژه‌ی text (متن) برگرفته از فعل لاتین texere، به‌معنای رشتن و به هم بافتن است؛ در متن است که آئیم‌های واژگانی به هم بافته می‌شوند. با این حال، مجموعه‌ی صرفاً از روی اتفاتی واژه‌ها یا جمله‌ها را متن نمی‌نامیم. واژه‌ها و جمله‌ها اختیار می‌شوند تا تعاملی کارآمد را برقرار کنند. متن کلیتی یک‌پارچه است که واحدها، واژه‌ها و جمله‌هایش از رهگذر شگردهایی که آن را استوار نگه می‌دارند و بافتار بی‌همتا و وحدت همه‌جانبه‌اش را رقم می‌زنند، به‌طرزی منسجم به هم پیوند می‌خورند. از همین رو، متون غیر تعاملی را نامتن در شمار می‌آوریم. با این حال «هم‌خوانی»، یعنی روابط منطقی منسجم میان جمله‌های متن (و سوره‌ها)، مؤلفه‌ی بنیادین متن است. بنابراین، متن از دو ویژگی عمده‌ی زبانی بهره می‌برد: الف) بافتار که انسجام دستوری و واژگانی متن را نشان می‌دهد؛ ب) هم‌خوانی که روابط معنایی مبین زنجیرمندی مفهومی و بینامتنی را بیان می‌کند.

مفهوم بافت [موقعیتی]، ابزار اساسی زبان‌شناختی در پی بردن به هم‌خوانی متنی خاص محسوب می‌شود؛ بافت همان هم‌متن [بافت متنی] است: محیط زبانی و بافتی پیرامون واژه یا جمله‌ای خاص. با این حال، بافت از هم‌متن متمایز است؛ بافت به عناصر زبانی و موقعیتی اطلاق می‌شود. از این رو، محیط فراخ‌پیکر متن را «بافت» متن، و ساختارمندی درونی متن را «هم‌متن» می‌نامند. مفهوم دیگری که لازم است خواننده درباره‌ی رویکرد زبان‌شناختی متن بداند، مفهوم بینامتنیت است؛ ویژگی متون در ارجاع نهران و آشکار به سایر متون. بینامتنیت از وابستگی یک متن – در مقام موجودیتی نشانه‌شناختی – به سایر متون نیز سخن می‌گوید؛ متونی که سایر متون را پیش‌فرض می‌گیرند و از این رو، ارتباطی بینامتنی بین آن‌ها برقرار است. در واقع بینامتنیت شبکه‌ی روابط با سایر متون است و در متنی خاص هم‌خوانی دارد.<sup>۱</sup>

## ۲. زنجیرمندی در گفتمان قرآنی

متوالی بودن و گستردگی متنی ویژگی‌های عمده‌ی متداول در متن قرآنی به حساب می‌آیند. نیل به این ویژگی‌های زبانی متن متکی است به دانستن این که در گفتمان قرآنی تلمیحات مفهومی و بافتی سایه‌گسترانیده است. در زبان عربی، منظور از زنجیرمندی مفهومی و متنی همان مناسبت (المناسبه) است که از فعل «نسب»، به‌معنای مرتبط یا متصل به شخصی یا چیزی مشتق شده است. گرچه<sup>۲</sup> مفهوم ارتباط مفهومی و متنی مستقیماً با مطالعات تفسیری و قرآنی مرتبط است، مفسران یا قرآن‌پژوهان میل چندانی نشان نداده‌اند که این ویژگی متنی را به‌تفصیل و در تمام سطوح تحلیل زبانی بررسی کنند.

اولین کسی که بر ماهیت جدی ویژگی زبانی متن تأکید کرد، ابوبکر نیشابوری (وفات ۳۲۴/۹۳۵) مفسر شافعی بود که در حلقه‌های درس خود در بغداد به این ویژگی اشاره می‌کرد و با شاگردانش از ارزش زنجیرمندی بافتی در نیل به درک بهتر آیات قرآن سخن می‌راند.<sup>۳</sup> با این حال، فقط دو مفسر سنتی یعنی فخرالدین رازی (۶۰۶/۱۲۰۹) و بیقایی (وفات ۸۸۵/۱۴۸۰)<sup>۴</sup> و سه مفسر مدرن یعنی

محمد عبده (وفات ۱۹۰۵)، سید قطب (وفات ۱۹۶۶) و زحیلی (متولد ۱۹۳۲)<sup>۵</sup> قرآن را براساس مفهوم مناسبت شرح و تفسیر کرده‌اند. ابوجعفر احمد بن ابراهیم بن الزبیر (متوفی ۷۰۸/۱۳۰۸) از جمله پژوهش‌گرانی است که به مفهوم زنجیرمندی در قرآن توجهی خاص نشان داده است. دیگر قرآن‌پژوهان نیز به‌اختصار به این مفهوم پرداخته‌اند، از جمله زرکشی (متوفی ۷۹۴/۱۳۹۱) که البته مفسر قرآن نبود، سیوطی (متوفی ۹۱۱/۱۵۰۵) که نه در تفسیر خود بلکه در آثار خود درباره‌ی مطالعات قرآنی به مفهوم هم‌خوانی پرداخته است و شرحی مشابه شرح الزبیر از زنجیرمندی ارائه داده است. گرچه مفسران سنتی هم‌بستگی منطقی معنایی میان آیات و سوره‌های قرآن را بررسی کرده‌اند، این بررسی‌ها چندان ژرف و پرمایه نبوده‌اند.

پژوهش‌گران غربی نیز به ویژگی زنجیرمندی قرآنی توجه نشان داده‌اند. تئودور نولدکه شرحی جذاب از ساختار سوره‌ها و مضامین آن‌ها<sup>۶</sup> ارائه داده است و نیز آنجلیکا نُپورت<sup>۷</sup> و نیل رابینسون<sup>۸</sup> بحث خود را با نمونه‌های فراوان همراه کرده و به روابط میان مضامین سوره‌های خاص اشاره کرده و توضیح داده‌اند که به چه ترتیب برخی قسمت‌های سوره با یکدیگر ارتباط تگاتنگ دارند. البته اینان به روش زبان‌شناختی متنی که در این جستار مطرح می‌کنیم، نپرداخته‌اند. دغدغه‌ی اصلی این پژوهش‌گران نظم و ترتیب سوره‌ها و ساختار مضمونی آن‌ها و بخش‌های مختلف آن بوده است، اما به مفهوم زنجیرمندی در سطح خرد توجه وافی نکرده‌اند. اشکال روابط میان سوره‌های پیاپی را بررسی نکرده‌اند، از هم‌متن غافل مانده‌اند و عوامل زبانی مستتر در ساختار سوره‌های خاص را به حال خود رها کرده‌اند. آن‌ها به این نکته که چگونه هسته‌ی مفهومی در متن قرآنی ادراک می‌شود، چگونه از ویژگی‌های واژگانی - دستوری و آوایی برای نیل به تلمیح متنی و مفهومی استفاده می‌شود، و به چه ترتیب گستردگی متنی در سرتاسر قرآن صورت واقع پیدا می‌کند توجه جدی نکرده‌اند. می‌توان با اعمال رویکرد زبان‌شناسی متن، شرحی دقیق و ژرف از این‌گونه مسائل متنی ارائه داد.

پیش از آن که بتوان مفهوم زنجیرمندی در گفتمان قرآنی را به تمامی تحسین کرد، توجه به دو عامل مهم و حساس ضروری است. اول، نزول قرآن در طی ۲۵-۳۳ سال و دوم این که، قرآن نه یک‌باره که تکه‌تکه نازل شده است. در این جستار به ارائه‌ی تحلیل دستوری، معنایی و آوایی قرآن در سطوح خرد و کلان می‌پردازیم. این‌گونه رویکرد زبان‌شناختی متن، سازوکارهای زبانی زنجیرمندی میان آیات خاص و مؤلفه‌های معنایی، آوایی و دستوری اقلام واژگانی موجب آیه‌ای خاص را از نزدیک بررسی می‌کند؛ همچنین تلمیحات مفهومی و متنی میان سوره‌های خاص یا میان دو سوره‌ی متوالی را جست‌وجو می‌کند. پیوند مفهومی و متنی در قرآن در سطح گفتمان قرآنی، یعنی سوره‌های قرآن نیز کارایی دارد. آموزه‌ی این نوشتار این است که بر تک‌تک سوره‌های قرآن سایه افکنده است.<sup>۹</sup> به‌زعم ابوبکر بن‌العربی، اقلام واژگانی (یعنی واژه‌های) قرآن از حیث نحوی و معنایی چنان قرص و محکم به هم زنجیر شده‌اند که کل قرآن گویی «یک کلمه‌ی واحد» است.<sup>۱۰</sup> زرخشری ضمن اشاره به این دیدگاه، معتقد است که «قرآن چونان یک قضیه/گزاره» است.<sup>۱۱</sup> بی‌شکی این

دیدگاه را به گونه‌ای دیگر مطرح می‌کند: «سوره‌ها نظم و نسقی الهی دارند» (توقیفی)<sup>۱۲</sup>، ادعایی که زرکنشی<sup>۱۳</sup> و سیوطی<sup>۱۴</sup> نیز بدان اشاره می‌کنند. فراحی – قرآن پژوه غیر عرب – مدافع این دیدگاه است که سوره‌های قرآن انسجام مضمونی ساختاری دارند.<sup>۱۵</sup> به‌همین ترتیب، امین احسان اصلاحی – مفسر معاصر – معتقد است که قرآن اثری منسجم است و این انسجام نه فقط در خود قرآن چشم‌گیر است بلکه از معنا و تفسیر قرآن نیز جدایی‌ناپذیر است.<sup>۱۶</sup>

در این جستار، هم‌خوانی را ویژگی زبانی متعارف‌گفتمان قرآنی در نظر می‌گیریم. قرآن خود خواننده را به تأمل در آیاتش و اجتناب از نگاه سرسری و گذرا دعوت می‌کند:

کتاب انزلناه الیک مبارک لیدبروا آیاته و لیتذکر اولوالالباب: [این] کتابی مبارک است که آن را به سوی تو نازل کرده‌ایم تا در [بارهی] آیات آن بیندیشند، و خردمندان پند گیرند. (سوره‌ی ص، آیه‌ی ۲۹)

و از آنان که در آیات قرآن تأمل نمی‌کنند، پرسش می‌شود:

افلا یتدبرون القرآن ام علی قلوب اقفالها؛ آیا به آیات قرآن نمی‌اندیشند؟ یا [مگر] بر دل‌هاشان قفل‌هایی نهاده شده است؟ (سوره‌ی محمد، آیه‌ی ۳۴)

در جستار کنونی سعی شده است که پژوهش پژوهش‌گران معاصر، مثل رابینسون، بسط یابد. رابینسون که روابط میان سوره‌های متوالی را «قطعاً از سر اتفاق» نمی‌داند<sup>۱۷</sup> و در تحلیل ساختاری سوره‌ها از «بینارابطه‌ی ظریف» و «ساختار متقارن» سوره‌های صعین سخن به میان می‌آورد، رویکردی که می‌توان آن را گونه‌ای از ویژگی هم‌خوانی زبانی متن در گفتمان قرآنی به حساب آورد.<sup>۱۸</sup>

در گفتمان قرآنی هم به تغییرات سبکی و هم به تغییرات زبانی برمی‌خوریم. این تغییرات ممکن است پیچیده و تودرتو به نظر آیند، اما این تغییرات بخشی از شبکه‌ی جذاب متنیت قرآن است که در راستای نیل به زنجیرمندی مفهومی و بینامتنی پدید آمده و آخرالامر نیز به متوالی بودن و گسترش متنی گفتمان قرآنی منجر می‌شوند. برای آن که دریابیم پدیده‌ی گستردگی متنی به چه ترتیب در جلو دیدگان خواننده قرار می‌گیرد، می‌توان از رهگذر بررسی عملی آیات و سوره‌های قرآنی، پیوند مفهومی و متنی گفتمان قرآنی را از نزدیک بررسی کرد. این وظیفه‌ی متن‌کاو (تحلیل‌گر متن) است که دریابد چگونه مفهوم زبانی متن هم‌متن تعیین می‌کند که متن «تکه‌ای به هم ریخته» است؛ چرا «تغییرات ناگهانی» سبکی و متنی در گفتمانی خاص پدید می‌آید؛ و از همه مهم‌تر این که آیا گزاره‌ها و سوره‌های کلان متنی خاص «به‌طرزی نابه‌سامان» مرتب شده‌اند.

با این حال، نمی‌توان از رهگذر تفسیر و تحلیل ساختاری صرف، شبکه‌ی انسجام منطقی قرآن را شناسایی کرد. زنجیرمندی مفهومی و متنی، پدیده‌ای زبانی و متنی است که در دو سطح مختلف متن رخ می‌دهد: الف) سطح کلان که رابطه‌ی مفهومی و متنی میان دو سوره‌ی متوالی متن قرآنی را در نظر می‌گیرد؛ ب) سطح خرد که اولاً تلمیحات مفهومی و متنی میان دو گزاره‌ی پیاپی، و ثانیاً مفهوم بافت درونی که تغییرات سبکی و زبانی را تبیین می‌کند. از طریق به‌کارگیری نظریه‌ی جدید

زبان شناختی متن که متون و ویژگی‌های واژگانی - دستوری و آوایی را تحلیل می‌کند، می‌توان فهرستی دراز دامن از ویژگی‌های زنجیرمندی مفهومی و متن قرآن ارائه داد. از آنجا که روی سخن این نوشتار با زنجیرمندی مفهومی و متنی در گفتمان قرآنی است، بالطبع پرداختن به این ویژگی در آثار ادبی و نظریه‌ی ادبی مجال و زمانی دیگر می‌طلبد. با این وصف، هدف این جستار مقایسه‌ی گفتمان قرآنی با دیگر انواع گفتمان عربی نیست.

### ۳. انواع زنجیرمندی مفهومی و متنی

متن رخدادی تعاملی است و انتظار می‌رود به شیوه‌ای منطقی منسجم (یعنی زبانی، سبکی و از همه مهم‌تر، مفهومی) ارائه شود. متنی که این ویژگی‌ها را دارد، انتظار می‌رود که برای نیل به متوالی بودن و گستردگی متنی، در سطوح خرد و کلان نیز به هم مرتبط باشد. در بحث زیر که با نمونه‌های قرآنی همراه است، ویژگی‌های زبانی متن قرآنی از نزدیک بررسی می‌شود.

#### ۳.۱. زنجیرمندی در سطح کلان

این نوع زنجیرمندی با شبکه‌ی دو نوع روابط معنایی سروکار دارد: الف) خویشاوندی مفهومی و بینامتنی در بطن سوره‌ای خاص؛ ب) تلمیحات مفهومی و بینامتنی میان دو سوره‌ی متوالی.

##### ۳.۱.۱. زنجیرمندی در بطن سوره

عمده کارکرد زبانی این نوع زنجیرمندی در سطح کلان، نیل به متنیت است. برای این منظور لازم است که متن از حیث زبانی، و از همه مهم‌تر از حیث مفهومی و متنی، منسجم باشد. با این حال، فقط به واسطه‌ی انسجام مفهومی و متنی است که متن از پس کارکرد تعاملی خود برمی‌آید. از نظر برقراری تعامل، در بطن هر سوره‌ای که واجد خویشاوندی مفهومی و بینامتنی باشد، گستردگی متنی و متوالی بودن صورت واقع پیدا می‌کند - همان‌گونه که در سوره‌ی طه شاهد خواهیم بود. به دیگر سخن، تحلیل متنی به شبکه‌ی روابط معنایی سوره‌ی طه دست پیدا خواهد کرد، روابطی که به لحاظ مفهومی و متنی به هم مرتبط‌اند.

برای آن که بتوان تحلیل کلان متنی سوره‌ی طه را ارائه داد، بررسی گستردگی متنی آن ضروری است. بدین منظور لازم است به دو نکته‌ی عمده اشاره کنیم:

الف) سوره‌ی طه دو مضمون را تکرار می‌کند: صبر و نسیان. برای نیل به این کارکرد تعاملی، باید شبکه‌ی روابط مفهومی و متنی در سرتاسر سوره برقرار شود. به دیگر سخن، سوره به‌منزله‌ی متن، می‌بایست معیار زنجیرمندی متن را رعایت کند. هم آیه‌ی آغازین (آیه‌ی ۲) و هم آیه‌ی پایانی (آیه‌ی ۱۳۰)، حضرت محمد (ص) را به صبر دعوت می‌کند:

● ما انزلنا علیک القرآن لتشقی (۲)

○ قرآن را بر تو نازل نکردیم تا به رنج آفتی، (۲)

● فاصبر علی ما یقولون و سبح بحمد ربک قبل طلوع الشمس و قبل غروبها و من آناء اللیل فسبح و اطراف النهار لعلک ترضی (۱۳۰)

○ پس بر آنچه می‌گویند شکیبا باش، و پیش از برآمدن آفتاب و قبل از فرو شدن آن، با ستایش پروردگارت [او را] تسبیح گوی، و برخی از ساعات شب و حوالی روز را به نیایش پرداز، باشد که خشنود گردی. (۱۳۰)

بنابراین، سوره حالتی چرخشی دارد؛ یعنی ابتدا و انتهای آن به هم مرتبط است. به همین ترتیب، گزاره‌ی آغازین در آیه‌ی دوم بر پیامبری حضرت محمد (ص) تأکید می‌کند. از این رو، این آیه از حیث بینامتنی به گزاره‌ی پایانی (آیه‌ی ۱۳۴) زنجیر می‌شود که به شکایت دروغین کافران درباره‌ی روز قیامت اشاره می‌کند که اگر بدان‌ها پیامبری نازل شده بود، خوار و رسوا نمی‌شدند:

● و لو انا اهلکناهم بعذاب من قبله لقالوا ربنا لولا ارسلت الینا رسولا فنتبع آیاتک من قبل ان نذل و نخزی (۱۳۴)

○ و اگر ما آنان را قبل از [آمدن قرآن] به عذابی هلاک می‌کردیم، قطعاً می‌گفتند: «پروردگارا، چرا پیامبری به سوی ما نفرستادی تا پیش از آن که خوار و رسوا شویم از آیات تو پیروی کنیم؟» (۱۳۴)

نیک پیداست که برگزیده‌ای بر آنان بیامد، لیکن رسالتش را منکر شدند؛ بنابراین شرط اصلی موفقیت رسالت حضرت محمد (ص)، صبر و بردباری است. برای آن که حضرت محمد (ص) انکار مشرکان را پاسخ گوید، لازم است از الگویی تبعیت کند؛ و حضرت موسی در مقام الگوی رهبری معرفی می‌شود. داستان رویارویی حضرت موسی با فرعون (آیات ۷۳-۹ همین سوره) نمونه‌ای از صبر و بردباری است که به پیروزی بر منکران پیام حضرت موسی ختم می‌شود. بنابراین، نقل مو به موی داستان حضرت موسی اطمینان‌رسانی دوباره به حضرت محمد (ص) است که در آیات ۱۳۰ و ۱۳۲ به او توصیه می‌شود چونان حضرت موسی عمل کند. البته، آیات ۲، ۲۴، و ۴۳-۴۲ که مسیر پیامبری حضرت موسی و حضرت محمد (ص) را پررنگ جلوه می‌دهند، به پیوند مفهومی و بینامتنی این دو پیامبر نیز اشاره می‌کنند. مفهوم نسیان نیز در سرتاسر سوره تکرار می‌شود. مثلاً آیه‌ی ۵۲ به غفلت اشاره می‌کند و از حیث مفهومی و بینامتنی مرتبط است با آیه‌ی ۶۱ (که اشاره دارد به فرعون و قومش که خدا را فراموش کردند)، با آیه‌ی ۶۷ (که اشاره دارد به حضرت موسی که فراموش کرد خداوند قادر پیروزش گرداند، چنان که در آیه‌ی ۶۲ سوره‌ی شعرا نیز گفته شده است)، با آیه‌ی ۸۰ (که اشاره دارد به فرزندان اسرائیل که خدا را فراموش کردند و گوساله‌پرست شدند)، با آیه‌ی ۸۶ (که اشاره دارد به حضرت موسی که خدا را فراموش کرد)، با آیه‌ی ۸۸ (که اشاره دارد به گفته‌ی سامری مبنی بر این که حضرت موسی فراموش کرده خدایش در اینجاست و نه در سینا)، با آیه‌ی ۱۱۵ (که اشاره دارد به آدم که خداوند را فراموش کرد و از خطوات ابلیس پیروی کرد)، و بالاخره با آیه‌ی ۱۲۶ (که به ماهیت فراموش‌کاری کافران اشاره می‌کند).

چهار آموزه‌ی اسلام - توحید، نبوت، معاد و عدل - در چهار بخش مضمونی می‌آید و

زنجیرمندی مفهومی و بافتی توسط این چهار بخش حاصل می‌شود. در بخش اول، به نبوت (آیات ۱-۴)، در بخش دوم به توحید (آیات ۵-۸)، در بخش سوم به معاد (آیات ۱۶-۱۵) و در بخش چهارم به عدل - ثواب و عقاب - (آیات ۷۶-۷۴) اشاره می‌شود. در سوره‌ی طه مکرراً به چهار رکن ایمان اشاره می‌شود: آیات ۱۴ و ۹۸ (توحید)، آیه‌ی ۹۹ (نبوت)، آیات ۱۵ و ۵۵ (معاد)، آیات ۹۹، ۱۱۴-۱۱۳، ۱۳۳-۱۳۴ (نبوت)، آیات ۱۰۳-۱۰۰، ۱۱۱-۱۰۸ (معاد) و آیات ۱۱۲ و ۱۲۷ (ثواب و عقاب). سیر دایره‌وار سوره که آغاز (آیات ۱-۴) و انجامش (آیه‌ی ۱۳۴) طنین‌افکن یک رکن ایمان، یعنی نبوت، است، نیز متوالی بودن متن را پررنگ‌تر می‌کند. در سطح واژگانی، زنجیرمندی مفهومی به واسطه‌ی انسجام واژگانی محکم‌تر می‌شود؛ بدین معنا که واژه‌ای خاص در جایی دیگر از همان متن دوباره به کار می‌آید. مثلاً در آیات ۴۸، ۵۶ و ۶۱ از فعل کذب برای تأکید بر مسئله‌ای که حضرت موسی و حضرت محمد (ص) با آن دست به گریبان بودند، استفاده می‌شود:

● انا قد اوحی الینا ان العذاب علی من کذب و تولى (۴۸)

و لقد اریناه آیاتنا کلها فکذب و ابى (۵۶)

قال لهم موسى و لیکم لا تفتروا علی الله کذبا فیستحکم بعذاب و قد خاب من افتری (۶۱)

○ درحقیقت بر ما وحی آمد که عذاب بر کسی است که تکذیب کند و روی گرداند. (۴۸)

در حقیقت، [ما] همه‌ی آیات خود را به [فرعون] نشان دادیم، ولی [او آن‌ها را] دروغ پنداشت و نپذیرفت. (۵۶)

موسی به [ساحران] گفت: «وای بر شما، به خدا دروغ میندید که شما را به عذابی [سخت] هلاک می‌کند، و هر که دروغ بزند نومید می‌شود.» (۶۱)

به‌همین ترتیب، در جمله‌ای امری از واژه‌ی «ضلاه» استفاده می‌شود: آیه‌ی ۱۴ به حضرت موسی امر می‌کند که این عمل را انجام دهد؛ آیات ۱۳۰ و ۱۳۲ نیز حضرت محمد (ص) را ترغیب می‌کند که چنین کند. در آیه‌ی دوم، فعل تشقی به حضرت محمد (ص) و همین فعل در آیه‌ی ۱۱۷ به حضرت آدم اشاره می‌کند. کارکرد تعاملی رخداد این فعل در آیه‌ی ۱۱۷ به پیامبر یادآوری می‌کند که صبر و بردباری‌اش بی‌نتیجه نخواهد ماند، اگر از داستان آدم پند بگیرد. آغاز و انجام سوره نیز انسجام واژگانی را در پی می‌آورد، فعل یخشی به کسانی اشاره دارد که از خدا بترسند؛ با این حال انجام سوره، یعنی آیه‌ی ۱۳۵، این مفهوم را بیش‌تر بسط می‌دهد:

● قل کل متربص فتربصوا فستعلمون من اصحاب الصراط السوی و من اهتدی (۱۳۵)

○ بگو: همه در انتظارند؛ پس در انتظار باشید؛ زود است که بدانید یاران راه راست کیان‌اند و چه کسی راه‌یافته است. (۱۳۵)

### ۳. ۱. ۲. زنجیرمندی میان سوره‌های متوالی

سوره‌های متوالی قرآنی را روابط مفهومی و بینامتنی گوناگون به هم پیوند می‌زند، روابطی که متوالی بودن و گستردگی متنی را در سطح کلان به‌همراه دارند. خویشاوندی مفهومی و متنی در

مراحل گوناگون دو سوره به دیده می‌آید؛ می‌توان دو سوره‌ی متوالی را با آغازها، انجام‌ها، آغاز و انجام، یا با انجام و آغاز - چنان که در ادامه آمده است - به هم ارتباط داد.

#### الف) زنجیرمندی میان سوره‌ی طه و سوره‌ی انبیاء

زنجیرمندی مفهومی و متنی، معیار اصلی متنیت است که بدون آن متن از پس کارکرد تعاملی مورد انتظار برنمی‌آید. در ادامه، فرایند متوالی بودن میان سوره‌های طه و انبیاء بررسی می‌شود. تحلیل متنی نشان می‌دهد که این دو سوره در سایه‌ی توجه به تلمیحات مفهومی و متنی با هم ارتباط همه‌جانبه دارند. بنابراین، مفهوم هم‌خوانی از رهگذر زنجیرمندی مفهومی تحقق می‌یابد:

الف) پیامبران: در این دو سوره اشاره می‌شود به قصص حضرت محمد (ص) (آیات ۱-۲ و ۱۳۵-۱۳۰ سوره‌ی طه، آیات ۱۰-۵، ۲۵، ۳۶، ۴۱ سوره‌ی انبیاء)، داستان حضرت موسی و هارون (آیات ۹۷-۹۰ سوره‌ی طه و آیه‌ی ۴۸ سوره‌ی انبیاء)، داستان آدم (آیات ۱۲۳-۱۱۵ سوره‌ی طه)، داستان حضرت ابراهیم (آیات ۷۰-۵۱ سوره‌ی انبیاء)، داستان لوط (آیات ۷۱ و ۷۴ سوره‌ی انبیاء)، اسحاق (آیه‌ی ۷۲ سوره‌ی انبیاء)، یعقوب (آیه‌ی ۷۲ سوره‌ی انبیاء)، داستان نوح (آیات ۷۶-۷۷ سوره‌ی انبیاء)، داستان داود و سلیمان (آیات ۸۲-۷۸ سوره‌ی انبیاء)، داستان ایوب (آیات ۸۴-۸۳ سوره‌ی انبیاء)، داستان اسماعیل، ادريس و ذوالکفل (آیات ۸۶-۸۵ سوره‌ی انبیاء)، داستان یونس (آیات ۸۸-۸۷ سوره‌ی انبیاء)، داستان زکریا (آیه‌ی ۸۹ سوره‌ی انبیاء)، داستان یحیی (آیه‌ی ۹۰ سوره‌ی انبیاء) و داستان عیسی (آیه‌ی ۹۱ سوره‌ی انبیاء).

ب) توحید: هر دو سوره‌ی طه و انبیاء به این رکن ایمان اشاره می‌کنند. مثلاً:

الله لا اله الا هو له الاسماء الحسنی: خدایی که جز او معبودی نیست [و] نام‌های نیکو به او اختصاص دارد. (آیه‌ی ۸، سوره‌ی طه)

اننی انالله لا اله الا انا فاعبدنی و اقم الصلاة لذكری: منم، من، خدایی که جز من خدایی نیست، پس مرا پرستش کن و به یاد من نماز برپا دار. (آیه‌ی ۱۴ سوره‌ی طه)

انما الهکم الله الذی لا اله الا هو وسع کل شیء علما: «معبود شما تنها آن خدایی است که جز او معبودی نیست، و دانش او همه‌چیز را در بر گرفته است. (آیه‌ی ۹۸ سوره‌ی طه)

و ما ارسلنا من قبلک من رسول الا نوحی الیه انه لا اله الا انا فاعبدون: و پیش از تو هیچ پیامبری نفرستادیم مگر این که به او وحی کردیم: «خدایی جز من نیست، پس مرا پرستید.»

(آیه‌ی ۲۵ سوره‌ی انبیاء)

قل انما یوحی الی انما الهکم اله واحد فهل انتم مسلمون: «بگو جز این نیست که به من وحی می‌شود که خدای شما خدایی یگانه است. پس آیا مسلمان می‌شوید؟» (آیه‌ی ۱۰۸ سوره‌ی انبیاء)

ج) صبر و بردباری: هر دو سوره، حضرت محمد (ص) را ترغیب می‌کنند که نسبت به استهزاء

کافران بردبار و شکیبایا باشد.



ما انزلنا عليك القرآن لتشقى: قرآن را بر تو نازل نکردیم تا به رنج آفتی (آیه‌ی دوم سوره‌ی طه) فاصبر علی ما یقولون: پس بر آنچه می‌گویند شکبیا باش. (آیه‌ی ۱۳۰ سوره‌ی طه) در سوره‌ی انبیاء نیز به این تلمیح متنی اشاره می‌شود:

یل قالوا اضغات احلام بل افتراه بل هو شاعر فلیأتنا بآیه کما ارسل الأولون (۵) بلکه گفتند: خواب‌های شوریده است، [نه] بلکه آن را بریافته، بلکه او شاعری است. پس همان‌گونه که برای پیشینیان هم عرضه شد، باید برای ما نشانه‌ای بیاورد. (۵) و اذا رآک الذین کفروا ان یتخذونک الا هزواً أهذا الذی یدکر آلهتکم و هم بذکر الرحمن هم کافرون. (۳۶)

و کسانی که کافر شدند، چون تو را ببینند فقط به مسخره‌ها می‌گیرند [و می‌گویند]: «آیا این همان کس است که خدایان تان را [به بدی] یاد می‌کنند؟» در حالی که آنان خود، یاد [خدای] رحمان را منکرند. (۳۶)

و لقد استهزئ برس من قبلک فحاق بالذین سخروا منهم ما کانوا به یستهزؤن (۴۱) و مسلماً پیامبران پیش از تو [نیز] مورد ریشخند قرار گرفتند، پس کسانی که آنان را مسخره می‌کردند، [سزای] آنچه که آن را به ریشخند می‌گرفتند گریبان‌گیرشان شد. (۴۱)

د) نسیان و فراموشکاری: این موتیف در سوره‌ی طه سایه گسترده است. در آیه‌ی ۶۷ حضرت موسی اطمینان دوباره‌ای را که خداوند در آیات ۱۳، ۲۱، ۳۶، ۴۶، و ۶۷ بدو داده است، فراموش می‌کند. در آیه‌ی ۵۶، فرعون از روی کبر لطف خدا را فراموش می‌کند. در آیه‌ی ۸۰، الطاف خداوند به بنی‌اسرائیل یادآوری می‌شود، اما آنان به تبعیت از سامری مشرک می‌شوند (آیات ۸۵ و ۸۸). همچنین آنان وعده‌ی خداوند را نادیده می‌گیرند (آیه‌ی ۶۰). حضرت آدم نیز دستورات خداوند را فراموش کرده (آیه‌ی ۱۱۵) و از خطوات شیطان تبعیت می‌کند. فعل نسیه (فراموش کردن) دو بار در آیه‌ی ۱۲۶ تکرار می‌شود. در سوره‌ی انبیاء نیز بر فراموشکاری تأکید می‌شود. عباراتی نظیر غفلة معروضون: آنان در بی‌خبری روی‌گرداندند (آیه‌ی اول)؛ یلعبون: بازی‌کنان (آیه‌ی دوم)؛ لاهیة: در حالی که دل‌هاشان مشغول است (آیه‌ی سوم)؛ جملگی به فراموش‌کاری اشاره می‌کنند.

#### ب) زنجیرمندی میان آغاز سوره‌ی طه و انبیاء

گزاره‌های آغازین دو سوره از حیث مفهومی و بینامتنی به هم مرتبط‌اند، زیرا آیه‌ی سوم سوره‌ی طه به قرآن اشاره می‌کند که برای خداترسان پند و اندرز است: الا تذکرة لمن یحشى – جز این که برای هر که می‌ترسد، پندی باشد؛ حال آن که آیات ۳-۱ سوره‌ی انبیاء به نزدیکی ساعت قیامت اشاره می‌کنند که مردم دنیاپرست از آن غافل‌اند: برای مردم [وقت] حساب‌شان نزدیک شده، و آنان در بی‌خبری روی‌گرداندند. (۱) هیچ پند تازه‌ای از پروردگارشان نیامد، مگر این که بازیکنان آن را شنیدند. (۲) در حالی که دل‌هاشان مشغول است... (۳).

این ارتباط، گونه‌ای هم‌خوانی بلاغی آغاز - آغاز محسوب می‌شود.

## ج) زنجیرمندی میان انجام سوره طه و آغاز سوره انبیاء

گزاره‌های پایانی سوره‌ی طه یعنی آیات ۱۲۹، ۱۳۱، و ۱۳۵-۱۳۴:

و لولا کلمة سبقت من ربک لکان لزاما و اجلٌ مسمى (۱۲۹) و لا تمدن عینیک الی ما متعنا به ازواجاً منهم زهرة الحیاة الدنیا لفتنتهم فیه و رزق ربک خیر و ابقی (۱۳۱) و لو انا اهلکناهم بعذاب من قبله لقالوا ربنا لو لا ارسلت الینا رسولا ففتننا من قبل ان نذل و نخزی (۱۳۴) قل کل متربص فتربصوا فستعلمون من اصحاب الصراط السوی و من اهتدی (۱۳۵) و اگر سخنی از پروردگارت پیشی نگرفته و موعدی معین مقرر نشده بود، قطعاً [عذاب آن‌ها] لازم می‌آمد. (۱۲۹) و زنهار به سوی آنچه اصنافی از ایشان را از آن برخوردار کردیم [و فقط] زیور زندگی دنیاست تا ایشان را در آن بیازماییم، دیدگان خود مدوز، و [بدان که] روزی پروردگار تو بهتر و پایدارتر است. (۱۳۱) و اگر ما آنان را قبل از [آمدن قرآن] به عذابی هلاک می‌کردیم، قطعاً می‌گفتند: «پروردگارا، چرا پیامبری به سوی ما نفرستادی تا پیش از آن که خوار و رسوا شویم از آیات تو پیروی کنیم؟» (۱۳۴) بگو همه در انتظارند. پس در انتظار باشید. زود است که بدانید یاران راه راست کیان‌اند و چه کسی هدایت شده است. (۱۳۵)

با گزاره‌ی آغازین سوره‌ی انبیاء، زنجیرمندی مفهومی و بینامتنی برقرار می‌کند:

اقترب للناس حسابهم و هم فی غفلة معرضون (۱) ما یأتیهم من ذکر من ربهم محدث الا استمعوه و هم یلعبون (۲) لاهیة ی قلوبهم ... (۳)  
برای مردم [وقت] حساب‌شان نزدیک شده، و آنان در بی‌خبری روی‌گردانند. (۱) هیچ‌پند تازه‌ای از پروردگارشان نیامد، مگر این که بازی‌کنان آن را شنیدند. (۲) در حالی که دل‌هاشان مشغول است... (۳).

به دیگر سخن، گزاره‌های پایانی سوره‌ی طه به کافرینی اشاره می‌کند که در روز قیامت لب به اعتراض می‌گشایند که اگر پیام الهی بدان‌ها ابلاغ شده بود، ایمان می‌آوردند. با این حال، در گزاره‌های آغازین سوره‌ی انبیاء به ما می‌گویند که همان کافران از پیام الهی که می‌توانست روز قیامت به فریادشان برسد، روی‌گردان شدند.

## د) گستردگی متنی

گستردگی متنی میان دو سوره‌ی طه و انبیاء به‌واسطه‌ی اشارات مفهومی و متنی به مفاهیم مختلف قرآنی، واضح و مبرهن است: در سوره‌ی طه به داستان پیامبران، و در سوره‌ی انبیاء به داستان‌های بیش‌تری اشاره می‌شود. از حیث گستردگی متنی و متوالی‌بودن، زمینه را برای عمده‌رابطه‌ی مفهومی و متنی میان دو سوره فراهم می‌کند؛ مثلاً صبر و بردباری شرط اصلی برای بهره‌مندی از الطاف خداوندی است و نقل نعل به نعل داستان حضرت موسی و پیروزی او بر فرعون گواه این مدعاست (آیه‌ی ۷۰ سوره‌ی طه). در حالی که سوره‌ی طه با تأکید بر مفهوم پند و اندرز برای خدا ترسایان آغاز می‌شود (آیه‌ی ۳)، سوره‌ی انبیاء این حقیقت را تکرار می‌کند که مردم در بی‌خبری

روی‌گردانند (آیه‌ی اول)؛ یعنی به پند و اندرز نیاز دارند. در سوره‌ی طه، از حضرت محمد (ص) خواسته می‌شود که دست از پند و اندرز بردارد و در این میان سرگذشت حضرت موسی، بردباری و پیروزی‌اش نقل می‌شود. سوره‌ی انبیاء از رهگذر اشاره به سرگذشت حضرت ابراهیم، لوط و نوح که در انجام رسالت خود بردباری به خرج دادند و نتیجه‌اش را هم دیدند، به حضرت محمد (ص) اطمینان قلبی و روانی دوباره می‌دهد. همچنین، گستردگی متنی در سوره‌ی انبیاء با اشاره به قصص سایر پیامبران که رنج بردند اما بردباری به خرج دادند و در نهایت نیز پیروز شدند، حاصل می‌آید: حضرت ابراهیم که «رهایی یافت» (آیه‌ی ۷۱)، لوط که «در رحمت خداوند داخل شد» (آیه‌ی ۷۵)، نوح که «وی را با خانواده‌اش از بلای بزرگ رهانیدیم و او را در برابر مردمی که نشانه‌های ما را به دروغ گرفته بودند پیروزی بخشیدیم» (آیات ۷۶-۷۷)، ایوب که «بیماری‌اش به سبب صبر برطرف شد» (آیات ۸۳-۸۴)، اسماعیل، ادریس و ذوالکفل که «همه از شکیبایان بودند و آنان را در رحمت خود داخل کردیم» (آیات ۸۵-۸۶)، یحیی که «او را از اندوه رهانیدیم» (آیه‌ی ۸۸) و زکریا که «دعایش را اجابت کردیم» (آیه‌ی ۹۰).

تکرار مفهوم قرآنی توحید در دو سوره، نوعی متوالی‌بودن و زنجیرمندی مفهومی نیز برقرار می‌کند (آیات ۸ و ۹۸ سوره‌ی طه، و آیات ۲۲، ۲۵ و ۱۰۸ سوره‌ی انبیاء) و سایر مفاهیم نیز در برقراری زنجیرمندی میان دو سوره نقش دارند. مثلاً اشاره به بی‌خبری در آیه‌ی ۳ سوره‌ی طه با آیات ۱-۲، ۹۷ و ۱۰۶ سوره‌ی انبیاء مرتبط است؛ روز قیامت در آیات ۱۵ و ۱۰۲ سوره‌ی طه با آیات ۴۰ و ۴۷ سوره‌ی انبیاء در ارتباط است؛ و قدرت خداوند در آیات ۱۰۷-۱۰۵ سوره‌ی طه به آیات ۳۰-۳۳ سوره‌ی انبیاء مرتبط است. به همین ترتیب، آشکارگی گستردگی متنی به واسطه‌ی زنجیرمندی مفهومی و متنی میان آغاز سوره‌ی طه و انبیاء و میان انجام سوره‌ی طه و آغاز سوره‌ی انبیاء، واضح و مبرهن است.

### ۳.۱.۳. گونه‌های زنجیرمندی در سطح کلان

این مبحث به هم‌خوانی قرآنی در سطح کلان می‌پردازد. رابطه‌ی متقابل میان دو یا چند سوره در پرتو مضمون آغازین یا انجامین سوره، در سرتاسر قرآن به چشم می‌خورد. هم‌خوانی مضمون ازجمله ویژگی‌های منحصر به فرد در گفتمان قرآنی است که چنان رابطه‌ای منطقی، سوره‌های قرآن را به هم می‌چسباند. به‌زعم امین احسان اصلاحی، یک جفت سوره‌ی قرآن از دو سوره‌ی مجاور هم تشکیل شده که با هم تناظرهای مضمونی و ساختاری مهمی دارند.<sup>۱۹</sup> در ادامه، به تشریح انواع هم‌خوانی که میان سوره‌های قرآن خویشاوندی مفهومی و بینامتنی برقرار می‌کند می‌پردازیم.

#### انواع زنجیرمندی میان سوره‌ها

زنجیرمندی در سطح کلان میان سوره‌های قرآن به یکی از صورت‌های زیر برقرار می‌شود:

الف) زنجیرمندی میان آغاز و انجام یک سوره‌ی قرآنی. این نوع زنجیرمندی در سوره‌هایی مثل

سوره‌ی هود دیده می‌شود. آغاز و انجام سوره‌ی هود درباره‌ی توحید و یگانه‌پرستی است (آیات ۱-۲): الر کتاب أحکمت آیاته ثم فصلت من لدن حکیم خبیر (۱) الا تعبدوا الا الله اننی لکم منه نذیر و بشیر (۲). الف، لام، راء. کتابی است که آیات آن استحکام یافته، سپس از جانب حکیمی آگاه، به‌روشنی بیان شده است (۱) که جز خدا را نپرستید؛ به‌راستی من از جانب او برای شما هشداردهنده و بشارت‌گرم. همچنین آیه‌ی ۱۲۳: ولله غیب السماوات و الأرض و الیه یرجع الأمر کله فاعبده و توکل علیه و ما ربک بغافل عما تعملون؛ و نهان آسمان‌ها و زمین از آن خداست، و تمام کارها به او بازگردانده می‌شود. پس او را پرستش کن و بر او توکل نمای، و پروردگار تو از آنچه انجام می‌دهید غافل نیست.

ب) زنجیرمندی میان انجام یک سوره و آغاز سوره‌ی بعدی. آیه‌ی ۹۶ سوره‌ی واقعه: فسبح باسم ربک العظیم (۹۶) پس به نام پروردگار بزرگ خود تسبیح گوی. و آیه‌ی اول سوره‌ی حدید: سبح لله ما فی السماوات و الأرض و هو العزیز الحکیم (۱) آنچه در آسمان‌ها و زمین است، خدا را به پاکی می‌ستایند، و اوست ارجمند حکیم. این آیات درباره‌ی تسبیح و ستایش خداوند است.

ج) زنجیرمندی میان آغاز دو سوره‌ی متوالی، مثلاً بخش آغازین دو سوره‌ی ذاریات و طور الگویندی زبانی متقارن دارد و هر دو بخش آغازین به موهبتی اشاره می‌کنند که در انتظار صالحان است. آیه‌ی ۱۵ سوره‌ی ذاریات: ان المتقین فی جنات و عیون (۱۵) پرهیزگاران در باغ‌ها و چشمه‌ساران‌اند. و آیه‌ی ۱۷ سوره‌ی طور: ان المتقین فی جنات و نعیم: پرهیزگاران در باغ‌ها و [در] ناز و نعمت‌اند.

د) زنجیرمندی میان دو سوره‌ی متوالی که سوره‌ی دوم مطالب سوره‌ی اول را تبیین می‌کند. مثلاً سوره‌ی آل عمران مطالب و موضوعاتی را شرح و بسط می‌دهد که سوره‌ی بقره موجزوار بدان‌ها اشاره کرده است؛ موضوعاتی مثل قرآن و سایر کتاب‌های الهی، جنگ احد، شهادت، سرمایه، حج و فرایند خلقت آدمی. بنابراین گستردگی متنی از سوره‌ی بقره به آل عمران به‌واسطه‌ی جزئیاتی که در سوره‌ی آل عمران درباره‌ی موضوعات مورد اشاره در سوره‌ی بقره آمده است، حاصل می‌آید.

### ۳.۱.۴. زنجیرمندی ارکان اسلام

در سطح کلان متنی گفتمان قرآنی، قرآن به چهار رکن ایمان اشاره می‌کند: توحید، نبوت، معاد، جزا و عقاب. روش قرآن از این قرار است که این چهار رکن را به شیوه‌ای نظام‌مند - به‌ترتیب زیر - ارائه دهد:

| بخش | مضمون      | سوره                    |
|-----|------------|-------------------------|
| ۱   | نبوت       | آیات ۹۳-۹۰ سوره‌ی انعام |
| ۲   | جزا و عقاب | آیه‌ی ۹۳ سوره‌ی انعام   |
| ۳   | معاد       | آیه‌ی ۹۴                |

|                       |            |   |
|-----------------------|------------|---|
| آیات ۹۵-۱۰۴           | توحید      | ۴ |
| آیات ۱۰۵-۱۰۶          | نبوت       | ۵ |
| آیه ی ۳ سوره ی فاطر   | توحید      | ۱ |
| آیه ی ۴               | نبوت       | ۲ |
| آیه ی ۵               | معاد       | ۳ |
| آیات ۶-۷              | جزا و عقاب | ۴ |
| آیات ۱-۴ سوره ی تغابن | توحید      | ۱ |
| آیات ۵-۶              | جزا و عقاب | ۲ |
| آیه ی ۷               | معاد       | ۳ |
| آیه ی ۸               | نبوت       | ۴ |
| آیه ی ۹               | معاد       | ۵ |
| آیات ۹-۱۰             | جزا و عقاب | ۶ |
| آیه ی ۱۱              | توحید      | ۷ |
| آیه ی ۱۲              | نبوت       | ۸ |
| آیه ی ۱۳              | توحید      | ۹ |

با این حال، در سوره ی قارعه فقط به بخش مضمونی اشاره می شود:

| سوره                  | مضمون      | بخش |
|-----------------------|------------|-----|
| آیات ۱-۵ سوره ی قارعه | معاد       | ۱   |
| آیات ۶-۱۱             | جزا و عقاب | ۲   |

تحلیل متنی سوره های قرآن نشان می دهد که از ارکان اسلام در بخش هایی که از حیث مفهومی به هم مرتبطند سخن به میان می آید. نمونه های بالا ناظر بدین حقیقت است که نمایش ارکان اسلام در بخش های مضمونی راه را برای زنجیرمندی مفهومی و متنی در بطن سوره هموار می کند؛ این نمایش همچنین در متوالی بودن و گستردگی متنی قرآن نقش دارد.

### ۳.۲. زنجیرمندی در سطح کلان

متوالی بودن گفتمان منوط به پیوند گزاره های سازنده ی گفتمان و نیز اقلام واژگانی سازنده ی تک تک گزاره ها است. زنجیرمندی در سطح کلان دو صورت عمده دارد: زنجیرمندی درون آیه ای (درون گزاره ای) و زنجیرمندی میان آیه ای (میان گزاره ای). زنجیرمندی درون گزاره ای یا درون آیه ای به

ویژگی‌های معنایی، آوایی و دستوری در بطن یک آیه‌ی خاص می‌پردازد. در زنجیرمندی میان‌گزاره‌ای بحث این است که آیا یک آیه‌ی خاص از آیه‌ی پیشین و پسین خود مستقل، یا با آن‌ها هماهنگ است.

### ۳.۲.۱. زنجیرمندی درون‌آیه‌ای

پیوند درون‌آیه‌ای به‌لحاظ ماهوی عمدتاً معنایی است؛ یعنی در سطح کلمه رخ می‌دهد. در قرآن، به عباراتی برمی‌خوریم که ساخت‌های زبانی آن‌ها با هم‌متن هماهنگ است. این نوع زنجیرمندی به شاخه‌های زیر تقسیم می‌شود:

الف) زنجیرمندی معنابنیان؛ و آن زمانی است که در بافت درونی دو واژه به‌لحاظ معنایی متضاد قرار گرفته است و عبارت دارای بار معنایی مثبت، به‌واسطه‌ی مجاورت با کلمه‌ای که بار معنایی منفی دارد، پررنگ می‌شود؛ مانند آیات ۳۳-۳۴ سوره ق: من خشی الرحمن بالغیب و جاء بقلب منیب (۳۳) ادخلوها بسلام ذلک یوم الخلود (۳۴)؛ آن که در نهان از خدای بخشنده بترسد و با دلی توبه‌کار [باز] آید (۳۳)، به سلامت [و شادکامی] در آن درآید [که] این روز جاودانگی است. پیداست که الرحمن (خدای بخشنده) نباید در مجاور فعل خشی (بترسد) قرار گیرد؛ اما خشی هم‌متن الرحمن قرار گرفته تا بر باداش چشم‌گیر انسانی که قلبش ملامت از خشیت الهی است تأکید شود؛ چرا که الرحمن به بخشندگی بسیار خداوند اشاره می‌کند. بنابراین، عبارت بسلام به کار گرفته شده تا از یک سو، معانی ظریف و مثبت واژه‌ی الرحمن تثبیت شود و از دیگر سو، بیان‌گر تضاد معنایی پررنگ میان دو واژه‌ی سلام و خشی باشد.<sup>۲۰</sup>

نمونه‌ی دیگر از زنجیرمندی درون‌آیه‌ای در آیه‌ی ۱۸۹ سوره‌ی بقره اتفاق می‌افتد:

یسئلونک عن الأهلۃ قل هی مواقیت للناس و الحج و لیس البر بأن تأتوا البیوت من ظهورها و لکن البر من اتقی و اتوا البیوت من ابوابها و اتقوا الله لعلکم تفلحون (۱۸۹)  
 درباره‌ی [حکمت] هلال‌ها [ی ماه] از تو می‌پرسند، بگو: «آن‌ها [شاخص] گاه‌شماری برای مردم و [موسم] حج‌اند» و نیکی آن نیست که از پشت خانه‌ها درآید، بلکه نیکی آن است که کسی تقوا پیشه کند؛ و به خانه‌ها از در [ورودی] آن‌ها درآید، و از خدا بترسید، باشد که رستگار شوید. (۱۸۹)

این گزاره دو مضمون مختلف دارد - هلال‌های ماه و ورود به خانه‌ها - که به‌لحاظ معنایی ربطی به هم ندارند؛ یعنی از حیث مفهومی با هم هم‌خوانی ندارند. در این جاست که قرائت سطحی خواننده را به این نتیجه می‌رساند که میان دو متضاد در بطن این آیه، ناهماهنگی و تناقض مفهومی برقرار است: گزاره‌ی اول به ماه نو اشاره می‌کند و به این حقیقت که ماه شاخص گاه‌شماری برای مردم و موسم حج است؛ اما گزاره‌ی دوم از این امر خیر می‌دهد که از پشت خانه‌ها به درون خانه‌ها نروید. فقط با بررسی تفسیری دقیق می‌توان هم‌خوانی و ارتباط مفهومی و بینامتنی دو متضاد را نشان داد. گفتنی است این آیه زمانی نازل شد که معاذبن جبل و ثعلب‌ابن غنم انصاری از حضرت

محمد (ص) درباره‌ی هلال‌های ماه پرسیدند و این که چرا این هلال‌ها هر ماهه تکرار می‌شوند. با این حساب، گزاره‌ی اول آیه به این پرسش پاسخ می‌دهد: «آن‌ها [شاخص] گاه‌شماری برای مردم و [موسم] حج‌اند». گزاره‌ی دوم آیه به رسم غیر اسلامی انصار پاسخ ایراد می‌گیرد که در لباس احرام و انجام مراسم حج، از دره‌های پستی به خانه‌هایشان وارد می‌شدند. آیه از آنان می‌خواهد که این عادت ناپسند را که از آن بت‌پرستان است، ترک کنند و بدان‌ها می‌گوید «نیکی آن نیست که از پشت خانه‌ها درآیید، بلکه نیکی آن است که کسی تقوا پیشه کند، و به خانه‌ها از در [ورودی] آن‌ها درآیید، و از خدا بترسید، باشد که رستگار شوید». هماهنگی منطقی میان دو بخش آیه خود را آشکار می‌کند: گزاره‌ی دوم آیه‌ی تبیین بیش‌تر حج است که در گزاره‌ی اول همین آیه بدان اشاره می‌شود؛ از این رو، دو گزاره‌ی آیه‌ی ۱۸۹ از حیث مفهومی و بینامتنی به هم مربوط می‌شوند.<sup>۲۱</sup>

به همین ترتیب، به کاربرد عبارات حساس بافت که با هم متن هماهنگ است دقت کنید. در آیه‌ی اول سوره‌ی انعام: الحمد لله الذی خلق السماوات و الأرض و جعل الظلمات و النور ... ستایش خدایی را که آسمان‌ها و زمین را آفرید، و تاریکی‌ها و روشنایی را پدید آورد. ... آیه‌ی ۱۱ سوره فاطر: ... ثم جعلکم ازواجاً؛ آنگاه شما را جفت جفت گردانید. و آیه‌ی ۱۸۹ سوره‌ی اعراف: و جعل منها زوجها ... و جفت وی را از آن پدید آورد ... بافت درونی واژگان خَلَقَ و جَعَلَ تمایز آشکار دارند. عبارت خَلَقَ در بافت درونی السموات و الارض به کار رفته که با فرایند خلق و ساختن سروکار دارد، حال آن که واژه‌ی جَعَلَ در بافت درونی الظلمات و النور و ازواج به کار آمده که چیزی از چیزی دیگر ایجاد می‌شود. این نمونه‌ها به هم‌خوانی واژگانی اشاره کرده و نشان می‌دهند که چگونه عبارات قرآنی برای تبیین معنای مورد نظر آیه، با بافت خود هماهنگ می‌شوند. بنابراین، بافت طیف همایشی عبارتی خاص در زبان را تعیین می‌کند. اگر طیف همایشی واژه‌ای برهم بخورد، زنجیرمندی معنایی در بطن جمله حاصل نمی‌شود و ناهماهنگی معنایی رخ می‌دهد.

ب) زنجیرمندی آواییاد؛ زنجیرمندی آواییاد زمانی رخ می‌دهد که اصوات یک واژه در هماهنگی با معنای کلی آیه قرار دارند. رافعی بحث جذابی ذیل هم‌خوانی آوایی در قرآن مطرح، و ادعا می‌کند که ساخت واژه‌ی یک واژه با اصوات آن واژه هماهنگ است.<sup>۲۲</sup> رابینسون نیز به رابطه‌ی میان صوت و معنا در قرآن اشاره می‌کند.<sup>۲۳</sup> در نمونه‌ی زیر (آیه‌ی ۱۴۳ سوره‌ی نساء)، مذبذبین بین ذلک لا الی هؤلاء و لا الی هؤلاء و من یضلل الله فلن تجد له سبیلاً؛ میان آن [دو گروه] دودل‌اند؛ نه با اینان‌اند و نه با آنان. و هر که را خدا گمراه کند، هرگز راهی برای [نجات] او نخواهی یافت، مذبذبین به منافقین در آیه‌ی پیشین (آیه‌ی ۴۲) اشاره می‌کند. اصوات این واژه حرکات سریع بالا و پایینی (زیگزاگی) لبان و تماس نوک زبان با دندان‌های پیشین را در پی می‌آورد که مبین نگرش منافقین است و این که آن‌ها چگونه نظر خود را به سرعت تغییر می‌دهند. به همین ترتیب، در آیه‌ی ۱۲ سوره‌ی فاطر: ... تستخرجون حلیة تلبسونها (و زیوری که آن را بر خود می‌پوشید بیرون می‌آورید)، واژه‌ی حلیة با عبارات تستخرجون و تلبسون آمده است؛ در این واژگان، اصوات موسیقایی مثل صوت خیشومی نون و سایشی سین با عبارت حلیة تناسب دارد.

ج) زنجیرمندی دستوری‌نیاد؛ و آن عبارت است از کاربرد عبارتی مفرد به جای جمع، مذکر به جای مؤنث یا برعکس، برای نیل به تقارن دستوری و تثبیت معنای کلی پیام. مثلاً در آیه‌ی ۲۷ سوره‌ی لقمان: «و لو ان ما فی الأرض من شجرة اقلام ... و اگر آنچه درخت در زمین است قلم باشد، واژه‌ی شجره به جای نه جمع بلکه مفرد است تا به معنای کلی درخت، یعنی تمام درختان اشاره کند. همچنین در آیات ۲-۱ و ۹ سوره‌ی مؤمنون: «قد افلح المؤمنون (۱) الذین هم فی صلاتهم خاشعون (۲) والذین هم علی صلواتهم یحافظون (۳) بهراستی که مؤمنان رستگار شدند (۱) همانان که در نمازشان فروتن‌اند (۲) و آنان که بر نمازهایشان مواظبت می‌کنند (۳)، واژه‌ی صلاة در آیه‌ی دوم مفرد می‌آید تا به انواع نماز و عبادت اشاره کند، اما همین کلمه در آیه‌ی ۹ به صورت جمع به کار می‌رود تا توجه مؤمنین را به انواع مختلف نماز - روزانه، جمعه، اعیاد و غیره - جلب کند. بنابراین، فقط به واسطه‌ی کاربرد شکل مفرد یا جمع است که زنجیرمندی و معنا حفظ می‌شود.

### ۳.۲.۳. زنجیرمندی میان آیه‌ای

با آن که تعداد آیات قرآن زیاد است (۶۲۱۸ آیه)، پیوند مفهومی و متنی بر گفتمان قرآنی سایه گسترانده است.

ظاهراً میان برخی آیات عدم پیوستگی و هماهنگی برقرار است؛ با این حال، تحلیل دقیق تفسیری نشان می‌دهد که انسجام منطقی محکم میان سوره‌ها برقرار است. برای نمونه، آیات ۵۱ و ۵۸ سوره نساء را بررسی می‌کنیم تا دریابیم آیا میان این دو آیه زنجیرمندی مفهومی و متنی برقرار است یا نه:

الم تر الی الذین اوتوا نصیباً من الکتاب یؤمنون بالغیب و الطاغوت و یقولون للذین کفروا هؤلاء اهدی من الذین آمنوا سبیلاً (۵۱)

ان الله یامرکم ان تؤدوا الامانات الی اهلها و اذا حکمتم بین الناس ان تحکموا بالعدل ان الله نعماً یعظکم به ان الله کان سمیعاً بصیراً (۵۸)

آیا کسانی را که از کتاب [آسمانی] نصیبی یافته‌اند ندیده‌ای؟ که به «جیت» و «طاغوت» ایمان دارند، و درباره‌ی کسانی که کفر ورزیده‌اند می‌گویند: «اینان از کسانی که ایمان آورده‌اند راه یافته‌ترند.» (۵۱)

خدا به شما فرمان می‌دهد که سپرده‌ها را به صاحبان آنها رد کنید و چون میان مردم داوری می‌کنید، به عدالت داوری کنید. در حقیقت، نیکو چیزی است که خدا شما را به آن پند می‌دهد. خدا شنوای بیناست. (۵۸)

پیداست که معنای ظاهری منبعث از قرائت دو آیه‌ی بالا نشان می‌دهد که در موضوع یا مضمون، ناپیوستگی معنایی و ناهماهنگی پررنگ دارند. با این حال، این ناهماهنگی، ناپیوستگی ظاهری معنایی میان دو آیه است. کلید پی‌بردن به رابطه‌ی منطقی میان این آیات را باید در بافت بیرونی، یعنی شأن نزول آیه‌ی ۵۱ جست‌وجو کرد. این آیه به عملی یهود و خصوصاً کعب بن اشرف



— شاعر یهودی — اشاره می‌کند که به اتفاق هفتاد سرباز یهودی با قریش پیمان بست که علیه حضرت محمد (ص) بجنگد. کعب با ابوسفیان ملاقات و عهدنامه را امضاء کرد. ابوسفیان از کعب که شاعری باسواد بود پرسید: چه کسی از ما هدایت یافته‌تر و بر طریق ثواب است، ما یا محمد؟ کعب پاسخ داد: شما از محمد هدایت یافته‌تر و بر طریق ثواب هستید. با این حال، این آیه اشاره می‌کند به این که گرچه کعب که از اهل کتاب بود، در تورات خوانده بود که حضرت محمد (ص) هدایت یافته‌تر است؛ در واقع به ابوسفیان دروغ گفته بود. در آیه ۵۸ از دانش کعب درباره‌ی پیام حقیقی حضرت محمد (ص) به امانات تعبیر می‌شود و این امانات باید به صاحبان خود برگردد. به دیگر سخن، باید درباره‌ی حضرت محمد (ص) حقیقت را بر زبان آورد. بنابراین، عنصر هم‌خوانی میان دو آیه خود را آشکار می‌کند. <sup>۲۴</sup> از این رو می‌توان در پرتو بن‌مایه‌های دو آیه پیوند معنایی میان دو آیه را بررسی کرد: بن‌مایه آیه ۵۱ به تورات و هدایت، و بن‌مایه آیه ۵۸ به امانت و عدالت اشاره می‌کنند؛ هر دو بن‌مایه از حیث معنایی به هم مرتبط‌اند.

در بافتی فراخ‌تر و گسترده‌تر، آنجا که پای زنجیره‌ی حکایت‌های اخلاقی قرآنی به میان می‌آید، زنجیرمندی به طرز درخشان رخ نشان می‌دهد. بنابراین، برای نمونه آیات ۸۸-۶۴ سوره‌ی قصص:

و قیل ادعوا شركاءکم فدعوهم فلم یتسجیبا لهم و رأوا العذاب لو انهم کانوا یتهدون (۶۴)

و یوم ینادیهم فیقول ما ذا اجبتم المرسلین (۶۵)

فعمیت علیهم الأنبیاء یومئذ فهم لا یتساءلون (۶۶)

فأما من تاب و آمن و عمل صالحا فحسی ان یکون من المفلحین (۶۷)

و ربک یخلق ما یشاء و یختار ما کان لهم الخیرة سبحان الله و تعالی عما یشرکون (۶۸)

و ربک یعلم ما تکن صدورهم و ما یعلنون (۶۹)

و هو الله لا اله الا هو له الحمد فی الأولى و الاخرة و له الحکم و الیه ترجعون (۷۰)

قل ارایتهم ان جعل الله علیکم اللیل سرمداً الی یوم القیامة من اله غیر الله یا تیکم بضیاء افلا تسمعون (۷۱)

قل ارایتهم ان جعل الله علیکم النهار سرمداً الی یوم القیامة من اله غیر الله یا تیکم بلیل

تسکونون فیه افلا تبصرون (۷۲)

و من رحمته جعل لکم اللیل و النهار لتسکونوا فیه و لتبتنوا من فضله و لعلکم تشکرون (۷۳)

و یوم ینادیهم فیقول این شرکائی الذین کنتم تزعمون (۷۴)

و نزعنا من کل امة شهیداً فقلنا هاتوا برهانکم فلموا ان الحق لله و ضل عنهم ما کانوا یفترون

(۷۵)

ان قارون کان من قوم موسی فبیغ علیهم و آتیناه من الكنوز ما ان مفاتحه لتنوا بالعصبة اولی

القوة اذ قال له قومه لا تفرح ان الله لا یحب الفرحین (۷۶)

و ابتغ فیما آتاک الله الدار الاخرة و لا تنس نصیبک من الدنیا و احسن کما احسن الله الیک و لا

تبغ الفساد فی الأرض ان الله لا یحب المفسدین (۷۷)

قال انما اوتيته على علم عندي اولم يعلم ان الله قد اهلك من قبله من القرون من هو اشد منه قوة و اكثر جمعاً و لا يستل عن ذنوبهم المجرمون (٧٨)

فخرج على قومه فى زينته قال الذين يريدون الحياة الدنيا يا ليت لنا مثل ما اوتى قارون انه لذو حظ عظيم (٧٩)

و قال الذين اوتوا العلم ويلكم ثواب الله خير لمن آمن و عمل صالحاً و لا يلقاها الا الصابرون (٨٠)

فخسفنا به و بداره الأرض فما كان له من فئة ينصرونه من دون الله و ما كان من المنتصرين (٨١)

و اصبح الذين تمنوا مكانه بالأمس يقولون و يكان الله يبسط الرزق لمن يشاء من عباده و يقدر لولا ان من الله علينا لخسف بنا و يكانه لا يقلح الكافرون (٨٢)

تلك الدار الاخرهى نجعلها للذين لا يريدون علوا فى الأرض و لا فساداً و العاقبة للمتقين (٨٣) من جاء بالحسنة فله خير منها و من جاء بالسيئة فلا يجزى الذين عملوا السيئات الا ما كانوا يعملون

ان الذى فرض عليك القرآن لرادك الى معاد قل ربى اعلم من جاء بالهدى و من هو فى ضلال مبين

و ما كنت ترجوا ان يلقى اليك الكتاب الا رحمة من ربك فلا تكونن ظهيراً للكافرين (٨٤) و لا يصدنك عن آيات الله بعد اذ انزلت اليك و ادع الى ربك و لا تكونن من المشركين (٨٧) و لا تدع مع الله الهأ آخر لاله الا هو كل شىء هالك الا وجهه له الحكم و اليه ترجعون (٨٨) و [به آنان] گفته مى شود: «شريكان خود را فرا خوانيد.» [پس آن ها را مى خوانند] ولى پاسخ شان نمى دهند و عذاب مى بينند [و آرزو مى کنند كه] اى كاش هدايت يافته بودند.

و روزى كه [خدا] آنان را ندا درمى دهد و مى فرمايد: «فرستادگان [ما] را چه پاسخ داديد؟» (٦٥) پس در آن روز اخبار بر ايشان پوشيده شود و از يكديگر نمى توانند بپرسند. (٦٦)

و اما كسى كه توبه كند و ايمان آورد و به كار شايسته پردازد، اميد كه از رستگاران باشد. (٦٧) و پروردگار تو هرچه را بخواهد مى آفريند و برمى گزيند، و آنان اختيارى ندارند. منزّه است خدا، و از آنچه [يا او] شريك مى گردانند برتر است. (٦٨)

و آنچه را سينه هايشان پوشيده يا آشكار مى دارد، پروردگار مى داند. (٦٩) و اوست خدا [بى كه] جز او معبودى نيست. در اين [سراى] نخستين و در آخرت، ستايش از آن اوست، و فرمان او راست و به سوى او بازگرداننده مى شويد. (٧٠)

بگو: «هان، چه مى پنداريد اگر خدا تا روز رستاخيز شب را بر شما جاويد بدارد جز خداوند كدامين معبود براى شما روشنى مى آورد؟ آيا نمى شنويد؟» (٧١)

بگو: «هان، چه مى پنداريد اگر خدا تا روز قيامت روز را بر شما جاويد بدارد جز خداوند كدامين معبود براى شما شبى مى آورد كه در آن آرام گيريد، آيا نمى بينيد؟» (٧٢)

زنجیرمندی مفهومی و بافتی در ...

و از رحمتش برایتان شب و روز را قرار داد تا در این [یک] بیارامید و [در آن یک] از فزون بخشی او [روزی خود] بجوید، باشد که سپاس بدارید. (۷۳)

و [یاد کن] روزی را که ندایشان می کند و می فرماید: «آن شریکان که می پنداشتید کجایند؟» (۷۴)

و از میان هر امتی گواهی بیرون می کشیم و می گوئیم: «برهان خود را بیاورید.» پس بدانند که حق از آن خداست، و آنچه برمی یافتند از دستشان می رود. (۷۵)

قارون از قوم موسی بود و بر آنان ستم کرد، و از گنجینه ها آن قدر به او داده بودیم که کلیدهای آن ها بر گروه نیرومندی سنگین می آمد، آنگاه که قوم وی بدو گفتند: «شادی مکن که خدا شادی کنندگان را دوست نمی دارد. (۷۶)

و با آنچه خدایت داده سرای آخرت را بجوی و سهم خود را از دنیا فراموش مکن، و همچنان که خدا به تو نیکی کرده نیکی کن و در زمین فساد مجوی که خدا فسادگران را دوست نمی دارد. (۷۷)

[قارون] گفت: «من این ها را در نتیجه ی دانش خود یافته ام.» آیا وی ندانست که خدا نسل هایی را پیش از او نابود کرد که از او نیرومندتر و مال اندوزتر بودند؟ [ولی این گونه] مجرمان را [نیازی] به پرسیده شدن از گناهانشان نیست. (۷۸)

پس [قارون] با کوکبه ی خود بر قومش نمایان شد کسانی که خواستار زندگی دنیا بودند گفتند: «ای کاش مثل آنچه به قارون داده شده به ما [هم] داده می شد؛ واقعاً او بهره ی بزرگی [از ثروت] دارد.»

و کسانی که دانش [واقعی] یافته بودند، گفتند: «وای بر شما! برای کسی که گرویده و کار شایسته کرده پاداش خدا بهتر است، و جز شکیبایان آن را نیابند.» (۸۰)

آنگاه [قارون] را با خانهاش در زمین فرو بردیم، و گروهی نداشت که در برابر [عذاب] خدا او را یاری کنند و [خود نیز] نتوانست از خود دفاع کند. (۸۱)

و همان کسانی که دیروز آرزو داشتند به جای او باشند، صبح می گفتند: «وای، مثل این که خدا روزی را برای هر کس از بندگانش که بخوهد گشاده یا تنگ می گرداند، و اگر خدا بر ما منت ننهاده بود، ما را [هم] به زمین فرو برده بود وای، گوئی که کافران رستگار نمی گردند.» (۸۲)

آن سرای آخرت را برای کسانی قرار می دهیم که در زمین خواستار برتری و فساد نیستند، و فرجام [خوش] از آن پرهیزگاران است. (۸۳)

هرکس نیکی به میان آورد، برای او [پاداشی] بهتر از آن خواهد بود؛ و هرکس بدی به میان آورد، کسانی که کارهای بد کرده اند جز سزای آنچه کرده اند نخواهند یافت. (۸۴)

در حقیقت، همان کسی که این قرآن را بر تو فرض کرد، یقیناً تو را به سوی وعده گاه بازمی گرداند. بگو: «پروردگارم بهتر می داند چه کس هدایت آورده و چه کس در گمراهی آشکار است؟» (۸۵)

و تو امیدوار نبودی که بر تو کتاب القا شود، بلکه این رحمتی از پروردگار تو بود. پس تو هرگز پشتیبان کافران مباش. (۸۶)

و البته نباید تو را از آیات خدا - بعد از آن که بر تو نازل شده است - بازدارند، و به سوی پروردگارت دعوت کن، و زنهار از مشرکان مباش. (۸۷)

و با خدا معبودی دیگر مخوان. خدایی جز او نیست. جز ذات او همه چیز نابودشونده است. فرمان از آن اوست. و به سوی او بازگردانیده می‌شوید. (۸۸)

در آیات ۶۴ تا ۶۹ از کافران و بت‌های دروغین‌شان ذکر به میان می‌آید. در آیات ۷۱ تا ۷۵ درباره‌ی آیه‌ی ۷۰ توضیح می‌دهد و از دعوت به مبارزه با بت‌های دروغین کافران سخن به میان می‌آید. آیات ۷۶ تا ۸۰ به غیر مؤمنین به حضرت محمد (ص) هشدار داده و به قارون هم اشاره می‌کند و از همین طریق، قدرت و توانایی خداوند در نابودی مال و ثروت را نشان داده و خاطر نشان می‌کند که ثروت آنان کاری برایشان نخواهد کرد (مقایسه کنید با آیه‌ی ۸۳). آیات ۸۱ و ۸۲ دوباره به نابودی قارون اشاره کرده و از قوم حضرت محمد (ص) می‌خواهد آنچه را بر قارون گذشته فراموش نکنند و از این واقعه پند بگیرند. از همه مهم‌تر، آیات ۸۱ و ۸۲ به کافران می‌گویند که گرچه آنان اقوام حضرت محمد (ص) هستند، همان بلای قارون در انتظار آنان نیز هست، چرا که قارون نیز از اقوام حضرت موسی بود. آیات ۸۳ تا ۸۸ نیز تأکید می‌کنند که ثروت و مقام روزی به پایان خواهد آمد.

عوامل زبانی و ساختاری هم‌خوانی در این متن طولانی قرآنی واضح و مبرهن است: آیات درباره‌ی حضرت موسی و قارون که ثروت‌مند اما مغرور و طاغی بودند، با آیاتی درباره‌ی حضرت محمد (ص) و قومش ادامه می‌یابد که ملتی ثروت‌مند و در عین حال، مغرور و طاغی بودند. عواملی دیگر نیز بدین هم‌خوانی اشاره می‌کنند. از آن جمله است:

۱. حضرت موسی و حضرت محمد (ص) هر دو مظلوم واقع و مجبور به مهاجرت شدند (آیات ۶-۴ و ۲۱-۲۲ برای حضرت موسی و آیه‌ی ۸۵ برای حضرت محمد)؛  
۲. خداوند به هر دو پیامبر وعده داد که با بازگشت به زادگاه‌شان، پیروزی از آن آنان خواهد بود (آیات ۴۰ و ۸۵)؛

۳. خداوند از هر دو خواست که مقاومت کنند و از کافران پشتیبانی نکنند (آیات ۱۷ و ۸۶)؛

۴. در دو بخش سوره (آیات ۳۰، ۷۰، ۸۸) بر توحید و یگانه‌پرستی تأکید می‌شود؛

۵. به‌واسطه‌ی آیات ۳۷ و ۴۳ و آیات ۵۰، ۵۶ و ۸۵ بن‌مایه‌ی هدایت و رهبری تکرار می‌شود؛

۶. از هر دو پیامبر درخواست می‌شود که از مشرکان نباشند (آیات ۲۸ و ۸۷)؛

۷. هر دو پیامبر صاحب کتاب‌اند (آیات ۴۳ و ۸۶)؛

۸. در هر دو بخش متن، بر دو مضمون تأکید می‌شود: الف) ثروت مادی بدون ایمان به خدا ارزشی ندارد؛ ب) غرور و سرکشی خشم خدا را برمی‌انگیزد (آیات ۴۰، ۸۱ و ۸۸).

بنابراین، عناصر معنایی و ساختاری زنجیرمندی مفهومی، بافتار زبانی کل این متن قرآنی را حفظ می‌کند. در زیر کل این زنجیرمندی خلاصه‌وار آمده است.

| مضمون            | حضرت موسی      | حضرت محمد (ص)   |
|------------------|----------------|-----------------|
| مظلومیت و مهاجرت | آیات ۶-۲۲،۴-۲۱ | آیه ی ۸۵        |
| وعده‌ی پیروزی    | آیه ی ۴۰       | آیه ی ۸۵        |
| بردباری و مقاومت | آیه ی ۱۷       | آیه ی ۸۶        |
| توحید            | آیه ی ۳۰       | آیات ۷۰، ۸۸     |
| نابودی           | آیه ی ۴۰       | آیه ی ۸۸        |
| کتاب             | آیه ی ۴۳       | آیه ی ۸۶        |
| هدایت            | آیات ۳۷، ۴۳    | آیات ۵۰، ۵۶، ۸۵ |
| شرک              | آیه ی ۳۸       | آیه ی ۸۷        |

وانگهی، تکرار (که گونه‌ای انسجام واژگانی است) عناصر زبانی یکسان که به برقراری زنجیرمندی و بینامتنیت میان دو حکایت حضرت موسی و حضرت محمد (ص) یاری رسانده است، متنیت قرآنی این دو حکایت را مستحکم‌تر می‌کند. این اقلام واژگانی که در هر دو داستان رخ می‌نمایند عبارت‌اند از:

قال رب بما انعمت علی فلن اكون ظهیراً للمجرمین (آیه ی ۱۷): [موسی] گفت: «پروردگارا به [پاس] نعمتی که بر من ارزانی داشتی هرگز پشتیبان مجرمان نخواهم بود.»  
و ما كنت ترجوا ان یلقى الیک الکتاب الا رحمة من ربک فلا تكونن ظهیراً للکافرین (آیه ی ۸۶): و تو امیدوار نبودی که بر تو کتاب القا شود، بلکه این رحمتی از پروردگار تو بود. پس تو هرگز پشتیبان کافران مباش.

و قال موسی ربی اعلم بمن جاء بالهدی من عنده و من تكون له عاقبة الدار انه لا یفلح الظالمون (آیه ی ۳۷): و موسی گفت: «پروردگارم به [حال] کسی که از جانب او رهنمودی آورده و [بیز] کسی که فرجام [نیکوی] آن سرا برای اوست، داناتر است. در حقیقت، ظالمان رستگار نمی‌شوند.»

ان الذی فرض علیک القرآن لرادک الی معاد قل ربی اعلم من جاء بالهدی و من هو فی ضلال مبین (آیه ی ۸۵): در حقیقت، همان کسی که این قرآن را بر تو فرض کرد، یقیناً تو را به سوی وعده‌گاه بازمی‌گرداند. بگو: «پروردگارم بهتر می‌داند چه کس هدایت آورده و چه کس در گمراهی آشکاری است؟»

و لقد آتینا موسی الکتاب من بعد ما اهلکنا القرون الأولى بصائر للناس و هدی و رحمة لعلهم یتذکرون (آیه ی ۴۳): و به راستی، پس از آن که نسل‌های نخستین را هلاک کردیم، به موسی کتاب دادیم که [دربردارنده‌ی] روشنگری‌ها و رهنمود و رحمتی برای مردم بود، امید که آنان پند گیرند.

و کم اهلکنا من قرية بطرت معيشتها فتلك مساكنهم لم تسكن من بعدهم الا قليلا و كنا نحن الوارثين (آیه ۵۸): و چه بسیار شهرها که هلاکش کردیم، [زیرا] زندگی خوش، آن‌ها را سرمست کرده بود. این است سراهایشان که پس از آنان - جز برای عده‌ی کمی - مورد سکونت قرار نگرفته، و ما مییم که وارث آنان بودیم.

### ۳.۲.۳. سازوکار زبان‌شناختی زنجیرمندی

همچنین می‌توان در سطح کلان از رهگذر نمایش مضامینی که مقابل یکدیگرند یا از طریق تعدیل مفاهیم قرآنی خاص، پیوند مفهومی و متنی را در گفتمان قرآنی ردیابی کرد. این دو ابزار زبان‌شناختی متن یعنی مطابقت/طباق و تعدیل، در راستای نیل به شفافیت متنی قرار دارند و پردازش متنی را برای خواننده یا متن‌کاو سهل‌الوصول‌تر می‌کنند.

### ۳.۲.۳.۱. مطابقت

می‌توان از رهگذر سازوکار زبانی مطابقت به زنجیرمندی در گفتمان قرآنی پی برد. مطابقت کارکردی بلاغی دارد و مراد از آن این است که دو مضمون مخالف گرد هم می‌آیند. گرچه هر دو گزاره به‌لحاظ معنایی مقابل یکدیگرند، از حیث مفهومی و بینامتنی همچنان با هم در ارتباط‌اند. متوالی بودن نتیجه‌ای است که حاصل می‌آید (پیوستگی واژگانی نیز به‌سبب متضادها برقرار می‌شود). با عنایت به سازوکار زبانی مطابقت می‌توان به زنجیرمندی مفهومی و بینامتنی دست یافت. در این حالت، دو قضیه‌ی ظاهراً متضاد اما به‌لحاظ معنایی مرتبط، در یک یا چند آیه خود را نشان می‌دهد. برای نمونه، آیات ۵۶-۵۷ سوره نساء:

ان الذين كفروا باياتنا سوف نصليهم نارا كلما نضجت جلودهم بدلناهم جلوداً غيرها ليذوقوا العذاب ان الله كان عزيزاً حكيماً (۵۶): به‌زودی کسانی را که به آیات ما کفر ورزیده‌اند، در آتشی [سوزان] درآوریم که هر چه پوست‌شان بریان شود، پوست‌های دیگری بر جایش نهیم تا عذاب را بچشند. آری، خداوند توانای حکیم است.

والذين آمنوا و عملوا الصالحات سندخلهم جنات تجري من تحتها الأنهار خالدين فيها ابداً لهم فيها ازواج مطهرة و ندخلهم ظلالاً ظليلاً (۵۷): و به‌زودی کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند در باغ‌هایی که از زیر [درختان] آن نهرها روان است درآوریم. برای همیشه در آن جاودان‌اند و در آنجا همسرانی پاکیزه دارند، و آنان را در سایه‌ای پایدار درآوریم.

در این آیات، گزاره‌ی اول - «الذين كفروا» - در تضاد معنایی با گزاره‌ی دوم - «الذين آمنوا» - قرار دارد. نمونه‌ی دیگر، آیه ۵۸ سوره اعراف:

والبلد الطيب يخرج نباته باذن ربه و الذی خبت لا یخرج الا نکدأ کذلک نصرف الايات لقوم یشکرون (۵۸): و زمین پاک [و آماده] گیاهش به اذن پروردگارش برمی‌آید و آن [زمینی] که ناپاک [و نامناسب] است [گیاهش] جز اندک و بی‌فایده برنمی‌آید. این‌گونه آیات [خود] را برای

گروهی که شکر می‌گزارند، گوناگون بیان می‌کنیم.

بخش اول گزاره که با البلد الطیب شروع می‌شود با بخش دوم که با الذی خبت شروع می‌شود، متضاد اما مرتبط است. نمونه‌ی سوم آیات ۷۳-۷۱ سوره زمر:

و سيق الذين كفروا الى جهنم زمراً حتى اذا جاؤها فتحت ابوابها و قال لهم خزنتها الم يأتكم رسل منكم يتلون عليكم آيات ربكم و ينذرونكم لقاء يومكم هذا قالوا بلى و لكن حقت كلمة العذاب على الكافرين (۷۱) قيل ادخلوا ابواب جهنم خالدین فيها فبئس مثوی المتکبرین (۷۲) و سيق الذين اتقوا ربهم الى الجنة زمراً حتى اذا جاؤها و فتحت ابوابها و قال لهم خزنتها سلام عليكم طبتم فادخلوها خالدين (۷۳)

و کسانی که کافر شده‌اند، گروه گروه به سوی جهنم رانده شوند، تا چون بدان رسند، درهای آن [به رویشان] گشوده شود و نگهبانانش به آنان گویند: «مگر فرستادگانی از خودتان بر شما نیامدند که آیات پروردگارتان را بر شما بخوانند و به دیدار چنین روزی شما را هشدار دهند؟» گویند: «چرا»، ولی فرمان عذاب بر کافران واجب آمد (۷۱)؛ و گفته شود: «از درهای دوزخ درآیید، جاودانه در آن بمانید و چه بد [جایی] است جای سرکشان!» (۷۲)؛ و کسانی که از پروردگارشان پروا داشته‌اند، گروه گروه به سوی بهشت سوق داده شوند، تا چون بدان رسند و درهای آن [به رویشان] گشوده شود و نگهبانان آن به ایشان گویند: «سلام بر شما، خوش آمدید، در آن درآیید [و] جاودانه [بمانید].»

گزاره‌ی اول «سيق الذين كفروا» به لحاظ معنایی در تضاد با گزاره‌ی دوم «سيق الذين اتقوا» قرار دارد.

### ۳.۲.۲. تعدیل

سازوکار زبانی تعدیل در راستای تبیین مؤلفه‌ای خاص از یک گزاره عمل می‌کند. از حیث زبانی، تعدیل بر دو نوع است: ۱. اسم یا عبارت اسمیه با شماری گزاره‌های به لحاظ مفهومی مرتبط تعدیل می‌شود که کارکرد تعاملی آن فراهم کردن جزئیات بیش‌تر برای خواننده/شنونده درباره‌ی اسمی خاص است؛ ۲. اسم یا عبارت اسمیه با مجموعه‌ای از اسامی که کارکرد تعاملی‌اش ایجاد جزئیات زیادتر است تعدیل می‌شود. در هر دو حالت، متوالی بودن و زنجیرمندی از طریق تعدیل حاصل می‌شود. مثلاً در آیات ۵-۲ سوره‌ی بقره:

ذلک الكتاب لا ریب فیه هدی للمتقین (۲) الذين یؤمنون بالغیب و یتقون الصلاة و مما رزقناهم ینفقون (۳) والذین یؤمنون بما انزل الیک و ما انزل من قبلک و بالآخرة هم یوقنون (۴) اولئک علی هدی من ربهم و اولئک هم المفلحون (۵)

این است کتابی که در [حقانیت] آن هیچ تردیدی نیست [و] مایه‌ی هدایت تقواییشگان است (۲)؛ آنان که به غیب ایمان می‌آورند، و نماز را بر پا می‌دارند، و از آنچه به ایشان روزی داده‌ایم انفاق می‌کنند (۳)؛ و آنان که بدانچه به سوی تو فرود آمده، و به آنچه پیش از تو نازل شده

ایمان می‌آورند و به آخرت یقین دارند (۴)؛ آن‌ها ایند که از هدایتی از جانب پروردگارشان برخوردارند و آن‌ها همان رستگاران‌اند. (۵)

در این آیات، عبارت اسمیه‌ی للمتقین را جزئیات بیشتر – یعنی عبارات الذین یؤمنون بالغیب، و یقیمون الصلاة، و مما رزقناهم ینفقون و الذین یؤمنون بما انزل الیک و ... هم یوقنون – تعدیل یا توصیف کرده است. نمونه‌ی دیگر در آیات ۳-۱ سوره‌ی ناس آمده است:

قل اعوذ برب الناس (۱) ملک الناس (۲) اله الناس (۳)

بگو پناه می‌برم به پروردگار مردم (۱)؛ پادشاه مردم (۲)؛ معبود مردم (۳).

جزئیات جایگزین مثل ملک الناس و اله الناس، عبارت اسمیه‌ی رب را توصیف می‌کنند. بنابراین هم زنجیرمندی مفهومی و متنی حاصل می‌شود، هم شفافیت متنی. همچنین در آیه‌ی ۲۴ سوره حشر:

هو الله الخالق البارئ المصور له الأسماء الحسنى یسبح له ما فی السماوات و الأرض و هو العزیز الحکیم (۲۴) اوست خدای خالق نوساز صورت‌گر [که] بهترین نام‌ها [و صفات] از آن اوست. آنچه در آسمان‌ها و زمین است [جمله] تسبیح او می‌گویند و او عزیز حکیم است. در این آیه، سه صفت الخالق، البارئ و المصور عبارت اسمیه‌ی الله را توصیف می‌کنند.

#### ۴. زنجیرمندی بافتی و متنی

وقوع مفاهیم قرآنی خاص، بافت‌محور است؛ به دیگر سخن، یک مفهوم به همراه اطلاعات مرتبط بدان ارائه می‌شود. متن قرآنی زمینه‌ای بافتی ایجاد می‌کند و ارتباط مفهومی و بینامتنی بر بستر همین زمینه برقرار می‌شود. براساس تحلیل متنی تجربی گفتمان قرآنی، با اطمینان می‌توان گفت که بافت نقش عمده‌ای در فرایند متن زبان‌شناختی زنجیرمندی در قرآن ایفا می‌کند. در زیر به حالت‌های این نقش عمده اشاره می‌شود:

۱. زمانی که به قوانین جزائی اسلامی اشاره می‌شود، به یکی از دو صورت زیر می‌آید: الف) گزاره‌ای که بر ثواب و عقاب تأکید می‌کند تا خواننده را به انجام عمل صالح ترغیب کند. آیات ۱۲-۲ سوره‌ی نساء:

و آتوا الیتامی اموالهم ... (۲) ... فانکحوا ما طاب لکم من ... و آتوا النساء صدقاتهن نحلة ... (۴) و لا تؤولوا السفهاء اموالکم ... (۵) و ابتلوا الیتامی حتی اذا بلغوا النکاح ... (۶) للرجال نصیب مما ترک الوالدان ... (۷) و اذا حضر القسمة اولوا القربی و الیتامی و المساکین ... (۸) ان الذین یأکلون اموال الیتامی ظلما ... (۱۰) یوصیکم الله فی اولادکم للذکر مثل حظ الأنثیین ... (۱۱) و لکم نصف ما ترک ازواجکم ... (۱۲)

و اموال یتیمان را به آنان [باز] دهید، ... (۲) ... هر چه از زنان [دیگر] که شما را پسند افتاد ... به زنی گیرید ... (۳) و مهر زنان را به‌عنوان هدیه از روی طیب خاطر به ایشان بدهید ... (۴) و اموال خود را – که خداوند آن را وسیله‌ی قوام [زندگی] شما قرار داده – به سفیهان مدهید ...



(۵) و یتیمان را بیازماید تا وقتی به [سن] زناشویی برسند پس اگر در ایشان رشد [فکری] یافتید، اموالشان را به آنان رد کنید... (۷) و هرگاه خویشاوندان یتیمان و مستمندان در تقسیم [ارث] حاضر شدند... (۸)... در حقیقت کسانی که اموال یتیمان را به ستم می‌خورند... (۱۰) خداوند به شما درباره‌ی فرزندان‌تان سفارش می‌کند: ... (۱۱) و نیمی از میراث همسران‌تان از آن شما [شوهران] است... (۱۲)

این قوانین جزائی اسلامی با گزاره‌هایی درباره‌ی جزا و کیفر خداوندی پررنگ می‌شود. آیات ۱۳-۱۴:

تلك حدودالله و من يطع الله و رسوله يدخله جنات تجري من تحتها الأنهار خالدین فیها و ذلك الفوز العظيم (۱۳) و من يعص الله و رسوله و يتعد حدوده يدخله ناراً خالداً فیها و له عذاب مهین (۱۴)

این‌ها احکام الهی است، و هر کس از خدا و پیامبر او اطاعت کند، وی را به باغ‌هایی درآورد که از زیر [درختان] آن نهرها روان است. در آن جاودانه‌اند، و این همان کامیابی بزرگ است. (۱۳) و هر کس از خدا و پیامبر او نافرمانی کند و از حدود مقرر او تجاوز نماید، وی را در آتشی درآورد که همواره در آن خواهد بود و برای او عذابی خفت‌آور است. (۱۴)

این امر درباره‌ی آیه‌ی ۱۹۶ سوره‌ی بقره نیز صادق است که درباره‌ی عمره صحبت می‌کند و بعد از مجازات شدید خداوند سخن به میان می‌آید.

ب) اطلاعاتی درباره‌ی حضور خداوند تا به خواننده قدرت الهی را یادآوری کند یا اطلاعاتی درباره‌ی یگانه‌پرستی. برای نمونه، آیات ۳۳-۳۱ سوره‌ی ابراهیم:

قل لعبادی الذین آمنوا یقیموا الصلاة و ینفقوا مما رزقناهم سراً و علانیه من قبل ان یأتی یوم لا ینفع فیها و لا خلال (۳۱) الله الذی خلق السماوات و الأرض و انزل من السماء ماء فأخرج به من الثمرات رزقا لکم و سخر لکم الفلك لتجری فی البحر بأمرة و سخر لکم الأنهار (۳۲) و سخر لکم الشمس و القمر دائبین و سخر لکم اللیل و النهار (۳۳)

به آن بندگانم که ایمان آورده‌اند بگو: «نماز را بر پا دارند و از آنچه به ایشان روزی داده‌ایم، پنهان و آشکارا انفاق کنند، پیش از آن که روزی فرا رسد که در آن نه داد و ستدی باشد و نه دوستی.» (۳۱) خداست که آسمان‌ها و زمین را آفرید، و از آسمان آبی فرستاد، و به وسیله‌ی آن از میوه‌ها برای شما روزی بیرون آورد، و کشتی را برای شما رام گردانید تا به فرمان او در دریا روان شود، و رودها را برای شما مسخر کرد (۳۲) و خورشید و ماه را - که پیوسته روان‌اند - برای شما رام گردانید و شب و روز را [نیز] مسخر شما ساخت. (۳۳)

در آیه‌ی ۱۵۸ سوره‌ی بقره نیز پس از ارجاع به قانون جزائی اسلامی حج از توحید و همه‌جابودگی خداوند سخن به میان می‌آید (آیات ۱۶۴-۱۶۳).

اشاره‌ی مبسوط به قوانین جزائی اسلامی اغلب با اشاره به اخلاقیات همراه است. سوره‌های بقره و نساء نمونه‌هایی مثال‌زدنی‌اند.

۲) در اشاره به باغ‌های عالی در بهشت (جنات العدن و جنات النعیم) از طلا و در اشاره به باغ‌های دانی‌تر از نقره سخن به میان می‌آید. برای نمونه، آیه‌ی ۳۱ سوره‌ی کهف:

اولئك لهم جنات عدن تجري من تحتهم الأنهار يحلون فيها من اساور من ذهب و یلبسون ثياباً خضراً من سندس و استبرق متكئين فيها على الأرائك نعم الثواب و حسنت مرتفقاً (۳۱)  
 آنان‌اند که بهشت‌های عدن به ایشان اختصاص دارد که از زیر [قصرها]شان جویبارها روان است. در آنجا با دست‌بندهایی از طلا آراسته می‌شوند و جامه‌هایی سبز از پرنیان نازک و حریر ستبر می‌پوشند. در آنجا بر سریرها تکیه می‌زنند. چه خوش پاداش و نیکو تکیه‌گاهی! (۳۱)

و آیه‌ی ۲۱ سوره‌ی انسان:

عالیهم ثياب سندس خضر و استبرق و حلوا اساور من فضة و سقاهم ربه‌م شراباً طهوراً (۲۱)  
 [بهشتیان را] جامه‌های ابریشمی سبز و دیبای ستبر در بر است و پیرایه‌ی آنان دست‌بندهای سیمین است و پروردگارشان باده‌ای پاک به آنان می‌نوشاند. (۲۱)

به همین ترتیب، اشاره به طلا و نقره با اشاره به باغ‌ها همراه است (مقایسه کنید با آیات ۱۵-۱۴ سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۲۳ سوره‌ی حج، و آیات ۷۱-۷۰ سوره‌ی زخرف).

۳) در اشاره به المقربون (آیات ۱۱ و ۸۸ سوره‌ی واقعه)، از جنات النعیم (آیات ۱۲ و ۸۹ سوره‌ی واقعه)، و در اشاره به اصحاب الیمین (آیات ۲۷ و ۹۰ سوره‌ی واقعه) از اموری مربوط به باغ‌های دانی‌تر سخن به میان می‌آید (آیات ۳۷-۲۸ و ۹۱ سوره‌ی واقعه). همچنین در آیه‌ی ۵۶ سوره‌ی حج، آیه‌ی ۸ سوره‌ی لقمان، آیه‌ی ۱۷ سوره‌ی طور و آیه‌ی ۳۴ سوره‌ی قلم، رابطه‌ی میان المقربون و باغ‌های عالی‌تر مشهود است.

۴) زمانی که به نام‌های اعمال اشاره می‌شود، از قرآن ذکر به میان می‌آید. آیه‌ی ۷۱ و ۸۹ سوره‌ی

اسراء:

یوم ندعواکل اناس بامامهم فمن اوتی کتابه بی‌مینه فأولئك یقرؤن کتابهم و لا یظلمون فتیلاً (۷۱) [یاد کن] روزی را که هر گروهی را با پیشوایشان فرا می‌خوانیم. پس هر کس کارنامه‌اش را به دست راستش دهند، آنان کارنامه‌ی خود را می‌خوانند و به قدر نخک هسته‌ی خرمایی به آن‌ها ستم نمی‌شود (۷۱)؛ و لقد صرفنا للناس فی هذا القرآن من کل مثل فأبی اکثر الناس الا کفوراً (۸۹) و به راستی در این قرآن از هرگونه مثلی گوناگون آوردیم، ولی بیش‌تر مردم جز سر انکار ندارند. (۸۹)

نیز آیات ۵۳-۴۹ سوره کهف.

۵) در اشاره به یگانه‌پرستی، همه جا بودگی خداوند جایگزین آن می‌شود. آیه‌ی ۱۶۳ سوره‌ی بقره: و الهکم اله واحد لا اله الا هو الرحمن الرحیم (معبود شما، معبود یگانه‌ای است که جز او هیچ معبودی نیست، [و اوست] بخشایش‌گر مهربان)، جای خود را به آیه‌ی ۱۶۴: ان فی خلق السماوات و الأرض و اختلاف اللیل و النهار و الفلک التی تجری فی البحر بما ینفع الناس و ما نزل الله من السماء من ماء فأحیا به الأرض بعد موتها و بث فیها من کل دابة و تصریف الریاح و السحاب المسخر بین

السماء و الأرض لایات لقوم یعقلون (راستی که در آفرینش آسمان‌ها و زمین، و در پی یکدیگر آمدن شب و روز، و کشتی‌هایی که در دریا روان‌اند با آنچه به مردم سود می‌رساند، و [همچنین] آبی که خدا از آسمان فرو فرستاده، و با آن زمین را پس از مردنش زنده گردانیده، و در آن هرگونه جنبنده‌ای پراکنده کرده، و [نیز در] گردانیدن بادهاء و ابری که میان آسمان و زمین آرمیده است، برای گروهی که می‌اندیشند، واقعاً نشانه‌هایی [گویا] وجود دارد.) می‌دهد.

(همچنین مقایسه کنید با آیه‌ی ۶۲ سوره‌ی غافر که آیه‌ی ۶۴ آن را تبیین می‌کند؛ آیه‌ی ۷۰ سوره‌ی قصص و آیات ۷۳-۷۱ و آیه‌ی ۶ سوره‌ی فصلت و آیات ۱۲-۹ همین سوره).

(۶) در اشاره به چندخدایی و شرک، از همه جابوگی خداوند به منزله‌ی آنتی‌تز برای انکار تز چندخدایی سخن به میان می‌آید؛ مانند: آیه‌ی ۲۹ سوره انبیاء (تز) و آیات ۳۳-۳۰ (آنتی‌تز)، آیات ۸-۵ سوره‌ی زخرف (تز) و آیات ۱۳-۱۰ (آنتی‌تز). گاهی نیز ابتدا از همه جابوگی خداوند و بعد از چندخدایی صحبت به میان می‌آید؛ مانند آیات ۴-۷۱ سوره‌ی یس.

(۷) در اشاره به بی‌اعتقادی به روز قیامت، به همه جابوگی خداوند اشاره می‌شود تا تأکید شود که قیامت حتماً رخ خواهد داد. سپس از کسانی صحبت می‌شود که بدون آگاهی، درباره‌ی خداوند بحث و جدل می‌کنند. آیات ۱۸۷-۱۸۹ سوره‌ی اعراف، آیات ۸۱-۷۷ سوره‌ی نحل، آیات ۴۵-۳۶ سوره‌ی کهف، آیات ۸۲-۷۸ سوره‌ی یس و آیات ۸-۵ سوره‌ی حج:

یا ایها الناس ان کنتم فی ریب من البعث فانا خلقناکم من تراب ثم من نطفة ثم من علقة ثم من مضغة مخلقة و غیر مخلقة لنبین لکم و نفر فی الأرحام ما نشاء الی اجل مسمى ثم نخرجکم طفلاً ثم لتبلغوا اشدکم و منکم من یتوفی و منکم من یرد الی ارض العمر لکیلا یعلم من بعد علم شیئاً و تری الأرض هامدة فاذا انزلنا علیها الماء اهتزت و ربّت و انبتت من کل زوج بهیج (۵) ذلک بأن الله هو الحق و انه یحیی الموتی و انه علی کل شیء قدير (۶) و ان الساعة آتیة لا ریب فیها و ان الله یمیت من فی القبور (۷) و من الناس من ینجادل فی الله بغير علم و لا هدی و لا کتاب منیر (۸)

ای مردم، اگر درباره‌ی برانگیخته‌شدن در شک هستید، پس [بدانید] که ما شما را از خاک آفریده‌ایم، سپس از نطفه، سپس از علقه، آنگاه از مضغه، دارای خلقت کامل و [حیواناً] خلقت ناقص، تا [قدرت خود را] بر شما روشن کنیم. و آنچه را اراده می‌کنیم تا مدتی معین در رحم‌ها قرار می‌دهیم، آنگاه شما را [به‌صورت] کودک برون می‌آوریم، سپس [حیات شما را ادامه می‌دهیم] تا به حد رشدتان برسید، و برخی از شما [زودرس] می‌میرد، و برخی از شما به غایت پیری می‌رسد به‌گونه‌ای که پس از دانستن [بسی چیزها] چیزی نمی‌داند. و زمین را خشکیده می‌بینی [ولی] چون آب بر آن فرود آوریم به جنبش درمی‌آید و نمو می‌کند و از هر نوع [رستنی‌های] نیکو می‌رویاند. (۵) این [قدرت‌نمایی‌ها] بدان سبب است که خدا خود حق است، و اوست که مردگان را زنده می‌کند و [هم] اوست که بر هر چیزی تواناست. (۶) و [هم] آن که رستاخیز آمدنی است [و] شکی در آن نیست، و در حقیقت خداست که کسانی را که در

گورهایند برمی‌انگیزد. (۷) و از [میان] مردم کسی است که درباره‌ی خدا بدون هیچ دانش و بی‌هیچ رهنمود و کتاب روشنی به مجادله می‌پردازد. (۸)

(۸) عبارت سبحان‌اله با ذکر چندخدایی همراه است. آیات ۱۶۴-۱۶۱ سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۲۲ سوره‌ی یوسف، آیه‌ی ۲۲ سوره‌ی انبیاء، آیه‌ی ۶۸ سوره‌ی قصص، آیات ۴-۳ سوره‌ی زمر و آیه‌ی ۱۱۶ سوره‌ی بقره:

و قالوا اتخذالله ولداً سبحانه بل له ما فی السماوات و الأرض کل له قانتون (۱۱۶) و گفتند: خداوند فرزندی برای خود اختیار کرده است. منزّه است خداوند؛ بلکه هرچه در آسمان‌ها و زمین است، از آن اوست، [و] همه فرمان‌پذیر اویند. (۱۱۶)

(۹) زمانی که از موهبت‌های (نعم) الهی سخن به میان می‌آید، به ثواب و عقاب اشاره شده و از مردم درخواست می‌شود که نسبت به خداوند سپاس‌گزار باشند. آیات ۱۰۷-۱۰۳ سوره‌ی آل‌عمران: و اعتصموا بحبل الله جمیعاً و لا تفرقوا و اذکروا نعمت الله علیکم اذ کنتم اعداء فآلف بین قلوبکم فأصبحتم بنعمته اخواناً و کنتم علی شفا حفرة من النار فانقذکم منها کذلک یبین الله لکم آیاته لعلکم تهتدون (۱۰۳) و لتکن منکم امة یدعون الی الخیر و یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر و اولئک هم المفلحون (۱۰۴) و لا تكونوا کالذین تفرقوا و اختلفوا من بعد ما جاءهم البینات و اولئک لهم عذاب عظیم (۱۰۵) یوم تبيض وجوه و تشود وجوه فاما الذین اسودت وجوههم اکفرتم بعد ایمانکم فذوقوا العذاب بما کنتم تکفرون (۱۰۶) و اما الذین ابیضت وجوههم ففی رحمت الله هم فیها خالدون (۱۰۷)

و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید، و پراکنده نشوید و نعمت خدا را بر خود یاد کنید: آنگاه که دشمنان [یکدیگر] بودید، پس میان دل‌های شما الفت انداخت، تا به لطف او برادران هم شدید و بر کنار پرتگاه آتش بودید که شما را از آن رها کنید. این‌گونه، خداوند نشانه‌های خود را برای شما روشن می‌کند، باشد که شما راه یابید. (۱۰۳) و باید از میان شما، گروهی، [مردم را] به نیکی دعوت کنند و به کار شایسته وادارند و از زشتی بازدارند، و آنان همان رستگاران‌اند. (۱۰۴) و همچون کسانی مباشید که پس از آن که دلایل آشکار برایشان آمد، پراکنده شدند و با هم اختلاف پیدا کردند، و برای آنان عذابی سهمگین است (۱۰۵) [در آن] روزی که چهره‌هایی سیید، و چهره‌هایی سیاه شود. اما سیاه‌رویان [به آنان گویند]: آیا بعد از ایمان تان کفر ورزیدید؟ پس به‌سزای آن که کفر می‌ورزیدید [این] عذاب را بچشید. (۱۰۶) و اما سپیدرویان همواره در رحمت خداوند جاویدان‌اند. (۱۰۷)

(۱۰) در اشاره به نزول قرآن، از همه جابودگی خداوند سخن به میان می‌آید. آیات ۶-۱ سوره‌ی یونس، آیات ۷۲-۶۴ سوره‌ی نحل و آیات ۵-۲ سوره‌ی جاثیه.

(۱۱) در اشاره به شرک نسبت به نبوت پیامبر یا شرک نسبت به نزول قرآن، از خشم خداوند، یگانه‌پرستی یا همه‌جابودگی خداوند سخن به میان می‌آید. آیات ۱۱-۵ سوره‌ی انبیاء:

بل قالوا اضغاث احلام بل افتراه بل هو شاعر فلیأتنا بایة کما ارسل الاولون (۵) ما امنت قبلهم

من قرية اهلکنها افهم يؤمنون (۶) و ما ارسلنا قبلك الا رجالا نوحى اليهم فستلوا اهل الذکر ان کنتم لا تعلمون (۷) و ما جعلناهم جسداً لایأکلون الطعام و ما کانتوا خالدین (۸) ثم صدقناهم الوعد فأنجیناهم و من نشاء و اهلکننا المسرفین (۹) لقد انزلنا الیکم کتابا فيه ذکرکم افلا تعقلون (۱۰) و کم قصصنا من قرية کانت ظالمة و انشأنا بعدها قوما آخرین (۱۱)

بلکه گفتند: «خواب‌های شوریده است، [نه] بلکه آن را بریافته، بلکه او شاعری است. پس همان‌گونه که برای پیشینیان هم عرضه شد، باید برای ما نشانه‌ای بیاورد.» (۵) قبل از آنان [نیز مردم] هیچ شهری - که آن را نابود کردیم - [به آیات ما] ایمان نیاوردند. پس آیا اینان [به معجزه] ایمان می‌آورند؟ (۶) و پیش از تو [نیز] جز مردانی را که به آنان وحی می‌کردیم گسیل نداشتیم. اگر نمی‌دانید از پژوهندگان کتاب‌های آسمانی پرسید. (۷) و ایشان را جسدی که غذا نخوردند قرار ندادیم و جاویدان [هم] نبودند. (۸) سپس وعده‌ی [خود] به آنان را راست گردانیدیم و آن‌ها و هر که را خواستیم نجات دادیم و افراط‌کاران را به هلاکت رسانیدیم. (۹) در حقیقت، ما کتابی به سوی شما نازل کردیم که یاد شما در آن است. آیا نمی‌اندیشید؟ (۱۰) و چه بسیار شهرها را که [مردمش] ستم‌کار بودند در هم شکستیم، و پس از آن‌ها قومی دیگر پدید آوردیم. (۱۱)

(۱۲) در اشاره به اهل کتاب از:

۱. توحید؛ آیات ۴۸-۴۷ سوره‌ی نساء؛ آیه‌ی ۱۷۱ سوره‌ی نساء؛ آیات ۲۰-۱۹ سوره‌ی انعام و آیه‌ی ۴۶ سوره‌ی عنکبوت؛

۲. نبوت؛ آیه‌ی ۱۵ سوره‌ی مائده و آیات ۵۱-۴۶ سوره‌ی عنکبوت؛

۳. عدالت؛ آیات ۱۲۳-۱۲۲ سوره‌ی بقره و آیات ۶۴-۶۵ سوره‌ی مائده؛

۴. معاد؛ آیات ۱۵-۱۰۵ سوره‌ی بقره، ۲۵-۲۲ سوره‌ی آل عمران، و آیات ۲۲-۱۹ سوره‌ی انعام سخن به میان می‌آید.

## ۵. نتیجه‌گیری

پیوند میان گزاره‌ها در هر متن، مؤلفه‌ی بنیادین متنیت آن متن محسوب می‌شود. بنابراین، متن بدون زنجیرمندی مفهومی و متنی، مجموعه‌ای از گزاره‌ها بیش نیست. بررسی ارائه‌شده در این جستار نشان داد که نبود پیوستگی معنایی که متعاقب‌نهماهنگی متنی و متوالی بودن مفاهیم میان گزاره‌های بیان شده در متنی خاص حاصل می‌آید، معنای متن را مخدوش می‌سازد. همچنین استدلال آوردیم که پیوستگی معنا و متوالی بودن مفاهیم قرآنی به کاربرد راهبردهای زبانی نیاز دارد و گفتنی است که برای پی‌بردن به شبکه‌ی روابط معنایی مفهومی و بینامتنی متن قرآنی، رویکرد زبان‌شناختی چندوجهی ضرورت پیدا می‌کند. زنجیرمندی مفهومی و ارجاعات متنی گفتمان قرآنی در راستای ارتباط همه‌جانبه، پیوند مفاهیم و متوالی بودن گفتمان است که برقرار می‌شود. به همین ترتیب، ارتباط مفهومی و بینامتنی در سطوح درون و بیناجمله‌ای رخ می‌دهد. مهم‌تر این‌که، تغییرات

سبکی و زیبایی هر دو بر بافت [بافت موقعیتی] و هم‌متن [بافت متنی] متکی‌اند. بنابراین، وقوع اقلام واژگانی خاص یا ساختارهای دستوری از سر اتفاق نیست و بخشی از شبکه‌ی کلی هم‌خوانی را ایجاد می‌کنند.

همچنین در این تحلیل متنی نشان دادیم که سوره‌ها براساس مفاهیم مشترک دو یا چند سوره منظم و مرتب شده‌اند. ارجاعات مفهومی و متنی دو سوره نشان می‌دهد که میان دو سوره‌ی متوالی، زنجیرمندی مفهومی و متنی مستحکم برقرار است. برای نمونه اشاره به پیامبران، انکار آنان و نابودی اقوام بی‌ایمان پیشین در سوره‌های متوالی یوسف، رعد، ابراهیم و حجر یا مفاهیم تکرارشونده‌ی مربوط به معاد و همه‌جابودگی خداوند در سوره‌های فاطر و یس رخ می‌دهند. همنشینی یک سوره با سوره‌ی مجاور کامل‌کننده‌ی مفاهیم سوره‌ی پیشین یا پسین است. زمانی که در یک سوره به مفهومی خاص اشاره می‌شود، سوره‌ی پسین جزئیات بیش‌تری از آن مفهوم خاص ارائه می‌دهد. برای نمونه، در آیه‌ی ۶ سوره‌ی حمد به‌طور موجز به مفهوم نبوت اشاره می‌شود، اما در آیات ۵-۲ سوره‌ی بقره این مفهوم بیش‌تر بسط می‌یابد. همچنین در آیه‌ی ۲ سوره‌ی بقره موجزوار به مصحف اشاره می‌شود، اما در آیات ۴-۳ سوره‌ی آل‌عمران این نکته بسط می‌یابد. به‌همین ترتیب، در آیه‌ی ۱۰۴ سوره‌ی اسراء موجزوار به وعده‌ی روز قیامت اشاره می‌شود و در آیات ۱۰۰-۹۸ سوره‌ی کهف این مفهوم بسط می‌یابد. همچنین در آیات ۵۳-۵۰ سوره‌ی نجم موجزوار به اقوام بی‌ایمان اشاره می‌شود، سپس در آیات ۴۲-۹ سوره‌ی قمر این مفهوم به‌طور جزئی بسط می‌یابد.

با توجه به محدودیت‌های حافظه‌ی بشری، نبود فناوری اطلاعات در زمان نزول قرآن، پیوستگی گزاره‌های قرآنی و پیوستگی تأثیرگذار سوره‌ها و آیات قرآنی، می‌توان گفت که چرا پژوهش‌گران مسلمان بر این باورند که قرآن متنی است که بشر قادر نیست آن را بر ساخته باشد و این که چرا این پژوهش‌گران با مسئله‌ی اعجاز (تقلیدناپذیری) قرآن سروکار داشته‌اند. همچنین می‌توان این ادعا را مطرح کرد که درک ما از آیه افزایش خواهد یافت اگر پی ببریم که این آیه با آیه‌ی پیشین یا پسین خود چه مناسبتی دارد. پرداختن به مؤلفه‌ی مهم متنیت قرآن البته مجال فراتر می‌طلبد و وظیفه‌ی ما این است که در مطالعات قرآنی به این مهم همت بگذاریم. عمده‌ی مفسران سنتی مسلمان از پرداختن به زنجیرمندی مفهومی و متنی قرآن غافل مانده‌اند. بنابراین تأکید می‌کنیم که مفسران معاصر می‌بایست زبان‌شناسی متن را مورد امعان نظر جدی قرار دهند. با این حال، گفتنی است که برخی از مفسران جدید تاحدودی مفهوم متوالی بودن و ارتباط معنایی را در تفسیرهای خود به کار بسته‌اند. از رهگذر استدراک زنجیرمندی، می‌توان از یک سو به درک عمیق‌تری از گفتمان قرآنی نایل شد و از دیگر سو، معانی قرآن، اهداف کوتاه‌مدت و بلندمدت راهبردی دربارہ‌ی تک‌تک گزاره‌های قرآنی و حکمت مستتر در آن را ژرف‌تر و دقیق‌تر ادراک کرد.

- R. de Beaugrande, *text, discourse, and Process* (London: Longman, 1980); R. de Beaugrande, art. "text linguistics" in Asher & Simpson (eds), *The encyclopedia of language and linguistics* (10 vols, London: pergamon, 1994), vol. 9, pp. 4573f; R. de Beaugrande & W. Dressler, *Introduction to Text Linguistics* (London: Longman, 1981); T.A. Dijk, *Text and Context* (London: Longman, 1977); M.A.K. Halliday & R. Hasan, *Language, Context, and text: Aspects of language in a social- semantic perspective* (Victoria: Deakin university Press, 1997); B. Hatim, *English-Arabic- English Translation: A practical Text- linguistics Guide* (Tangier: The king fahd school of translation, 1994); W. van peer, art. "Text" in the Encyclopedia of language and linguistics, vol. 9 pp. 4564f; U.m. Quasthoff, art. "context", op. cit. vol. 2, p. 737; p.j. thibault, art. "inter-textuality", op. cit. vol.4, pp. 175 1751f; D. Togeby, art. "Text Pragmatics", op. cit. vol. 9, pp. 4578f; G. Yule, *The study of language* (London: Cambridge University Press, 1985).
- Badr al- Din al-Zarkashi, *al-Burhan fi ulum al-Quran* (Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyya, 1988), vol. 1, p. 61; Jalal al-Rahman al-Suyuti, *Mutarak al-Aqran fi ijaz al-Quran* (Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyya, 1988), vol. 1, p. 44.
- cf. Zarkashi, al-Burhan, vol. 1, p. 62.
- fakhr al-Din al-Razi, *al-Tafsir al- kabir* (Beirut: Dar al kutub al- Ilmiyya, 1990); Burhan al-Din Ibrahim b. Umar al- Biga I, *Nazm al- durar fi tanasub al-ayat wa l-suwar* (Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyya, 1995).
- Sayyid Qutb, *fi zilat al-Quran* (Beirut: Dar al-shshuruq, 1996); Wahba al-Zuhayli, *al- tafsir al- munir fil-aqida wa l-shari a wa l-manhaj* (Damascus: dar al-Fikr, 1998).
- T. noldeke & F. schwally, *Geschichte des Qorans* (Leipzig: Dieterichische verlagbuchhandlung, 1909).
- A. Neuwirth, *Stufen zur Komposition Der Mekkanischen suren* (Berlin: De Gruyter, 1981).
- N. Robinson, *Discovering the Quran : A contemporary Approach to a Veiled Text* (London: SCM Press, 1996), pp. 191, 201; N. Robinson, "The structure and interpretation of Surat al Mu minun. *journal of Quranic Studies* 2:1 (2000), pp. 89f.
- Ahamad Taqi al-Din Ibn Taymiyya, *al-Tafsir al-kabir* (Beirut: Dar al-Kutub al- Ilmiyya, 1986) vol. 6, pp. 452f.
- cf. Zarkashi, al-Burhan, vol. 1, p. 62.
- Abu l-Qasim al-Zamakhshari, *al-Kashshaf* (Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyya, 1995), vol. 4, p. 135.
- Biqa I, *Nazm al-durar*, vol. 8, p. 491.
- Zarkashi, al-Burhan, vol. 1, p. 62.
- Jalal al-Din "Abd al-Rahman al-Suyti, *al-Itqan fi ulum al-Quran* (Beirut: Dar Ihya al-ulum, 1996), vol. 2, p. 64.
- M. Mir, *Coherence in the Quran* (Washington: American Trust Publications, 1986).
- M. Mir, "Islahis Concept of Sura Pairs", *The Muslim World* 73:1 (1983), pp. 22f.
- N. Robinson, *Islam: A Concise Introduction* (survey: Curzon, 1999), p. 71.
- Robinson, *Discovering the Quran*.

cf. Robinson, *Islam: A Consice Introduction*, p. 68.

Loc. Cit.

R.Bell, *Introduction to The Quran* (Edinburgh Univetsity Press, 1953), p. 74.

cf. Mir, *The Muslim World* 73:1 (1983), p. 2.

Op. Cit. pp. 22f.

cf. Muhammad Abu Musa, *al-Balagha al-Quraniyya fi Tafsir al-Zamakhshari wa atharuha fi l-dirasat al-balaghiyya* (Cario: Maktubat Wahba, 1988), p. 262; Zamakhshari, *al-Kashshaf*, vol. 4, p. 390.

Biqai, *Nazm al-durar*, vol. 1, p. 359; Zamakhshari, *al-kashshaf*, vol. 1, p. 232; Abu Abd Allah Muhammad al-Qurtubi, *al-jami li-ahkam al-Quran* (Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi, 1997), vol. 1, p. 342.

Mustafa Sadiq al-Rafi, *Ijaz al-Quran wa l-balagha al-nabawiyya* (Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi, 1990), p. 227.

Robinson, *Discovering the Quran*.

Qurtubi, *al-jami*, vol. 5, p. 239.

Abdullah Yusuf Ali (trans.), *The Meaning of the Holy Quran* (Brentwood: Amana Corporation, 1983), p. 1023.

